

● کمیته مرکزی حزب توده و مطبوعات مترقی
● مبارزه در راه رادیو تلویزیون آزاد
● یورش به مطبوعات گامی دیگر در راه تعرض
● به آزادی است صفحه آخر

● نظاهرات به پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی ۷
● اعتصابات و مبارزات کارگری ۶
● پیام به سازمان چریکهای فدایی خلق ۳
● گرامی باد خاطره مجاهدین شهید ۳

سخنرانی شیخ عزالدین حسینی در دانشگاه صنعتی



● ما اجازه نخواهیم داد که دیگر دیکتاتور
● به ایران بازگردد و ارتجاع حکومت نماید.
● مذهبی که مردم را در مقابل هم فرار دهد و
● آنها را استثمار کند، مذهب الهی نیست.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ بها ۱۰ ریال

مراسم صدمین سالگرد تولد دکتر مصدق

سات ۵ بعد از ظهر شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه بمناسبت صدمین سالگرد تولد رهبر ملی ایران، دکتر محمد مصدق که بنام روز دفاع از آزادی بیان و اندیشه نامیده شد ده‌ها هزار نفر از انستاهای که دلپایان بخاطر آزادی و استقلال میهن می‌تپد در دانشگاه صنعتی (شریف) گرد آمدند. این مراسم به ابتکار جبهه دمکراتیک ملی ترتیب یافته بود.

سخنان و شعارهای شرکت‌کنندگان در مراسم گویای این واقعیت بود که مردم آزاده ما حاضر نیستند در برابر فشارهای فاشیستی و تلاشهای ارتجاع و امپریالیسم برای بقیه در صفحه ۷

در باره وحدت

● دضعف اساسی جنبش کمونیستی؛
● تشمت و عدم ارتباط سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر

در شماره قبل برخی از دیدگاهها و نقطه نظرهای موجود در سطح جنبش کمونیستی را در باره وحدت نیروهای م.ل. و پروسه تشکیل حزب طبقه کارگر، مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و گفتیم که اکنون از نظر ما دودید- گاه انحرافی در سطح جنبش کمونیستی در باره وحدت وجود دارد که هر یک با حرکت از پایگاه و مواضع خاص خود عملا وحدت نیروهای م.ل. را مورد تردید قرار داده و آنرا بتعویق می‌اندازد.

دیدگاه اول، ناظر بر اینست که شرط اولیه وحدت نیروهای م.ل. در شرایط فعلی، تامین ارتباطات گانیک این نیروها با طبقه کارگر بوده و هرگونه وحدتی را بدون تحقق چنین شرطی، وحدت از بالا و نوعی سرهم بسندی روشنفکرانه تلقی میکند. این دیدگاه همانطور که قبلا اشاره کردیم، از آنرو که امر "وحدت" و "پیوند" با طبقه کارگر را نه بعنوان دو جزء و دویخ کاملاً مرتبط و وابسته به هم، بلکه این دورا عملاً بعنوان بقیه در صفحه ۲

● خود مختاری برای کردستان در چهارچوب ایران آزاد.

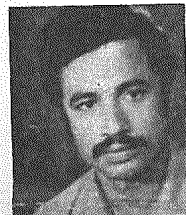
شیخ عزالدین حسینی، روزیکشنبه ۲۳ اردیبهشت بنا بدعوت وزیر کشور همراه با هیئت از روحانیون مبارز کرد وارد تهران شد. همراهان وی، امام جمعه ها و نمایندگان نقده، سقز، مهاباد، اشنویه، مرگه و ورتکه و رودز و دلسه (اطراف ارومیه) هستند.

شیخ عزالدین حسینی صبح روز جمعه ۲۸ اردیبهشت در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف، سخنرانی پرشور و ایراد کرد که متن کامل آنرا در زیر میخوانید. قیام از سخنان وی، مقداری در شرح زندگی بعضی از شهدای خلق کرد، سخنرانی شد و سپس صادق وزیر نماینده جمعیت کرد های مقیم مرکز سخنان در باره لزوم خود مختاری برای کردستان در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک ایراد کرد.

امام جمعه نقده سخنران بعدی بود که بشرح واقعات رویداد خونین و دردناک نقده پرداخت و به افشاکری بسر علیه شایعاتی که دستهای ناپاک عوامل امپریالیست و ارتجاع برای انحراف از ذهن، پخش میکنند، پرداخت.

بقیه در صفحه ۳

مصاحبه با یکی از رهبران انقلاب عمان



رفیق عبدالعزیز القاضی

انقلاب مقوام

صفحه ۴

درباره مسئله ملی (۲)

● با توجه به شرایط کنونی سرنوشت جنبشهای ملی
● بکجا خواهد کشید؟

● سیاست سیستم حاکمه در قبال مسئله ملی چیست؟
● نتیجه گیری:

مبارزه خلقهای ایران برای احقاق حقوق ملی مبارزه ایست بر علیه ۵۷ سال زورگویی و ستمگری رژیم وابسته به امپریالیسم که تحديات و توهین های بی شماری نسبت به غرور و احساسات و ... ملی خلقها وارد ساخته، و همواره سعی نموده است که از طرفی اساساً مسئله ملی و حقوق ملیتها را انکار نماید و از طرف دیگر با دروغپردازیها و سببهای ارتجاعی - شونیستی خود هرگونه کوشش در جهت کسب حقوق ملی را تجزیه طلبی قلمداد کرده، ذهن توده ها را نسبت به آن منوش گرداند. این مبارزات علاوه بر دفاع از ملیت و حقوق ملی، ناگزیر از رویارویی با امپریالیسم نیز میباشد که با حاکمیت و نفوذ خود در تمامی بینه های اقتصادی و سیاسی، نظامی و فرهنگی میهنان بنا به منافع غارتگرانه و استثمارگرانه اش مناطق ساکن ملیتها را در عقب ماندگی فاحشی تگه داشته و حتی اصلاحات ارضی نیم بند خود را نیز در این مناطق به اجرا نگذاشته است و هنوز مناسبات فئودالی و ماقبیل سرمایه داری در این مناطق باقی مانده و حتی در بعضی مناطق وجه غالب مناسبات تولیدی را دارد.

مبارزه خلقها برای احقاق حقوق ملی عادلانه و برحق خود، جزء جدائی ناپذیر انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران میباشد. این مبارزات بسر خلاف تصور تئورسیسینهای کوتاه نظر و ابله بورژوازی، به صورت خلقا لاساعه و صرفاً در دوران بعد از قیام بوجود نیامده بلکه در تمام طول ۵۷ سال گذشته بطور مداوم و لاینقطع، گاه آشکار و گاه پنهان وجود داشته، و خلقها همواره بر علیه حاکمیت و نفوذ امپریالیسم و شونیسم رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی مبارزه میکرده اند.

بقیه در صفحه ۵

● سرمقاله

چرا از آزادی بیان می ترسند؟

توطئه بر علیه مطبوعات و نویسندگان بتعمد تجاوز دیگری بود به قلمرو آزادی. این عمل قلب تمام کسانی را که نسبت به آزادی و استقلال میهن عشق می ورزند به لرزه درآورد و انسانهای آزاده ای را که در ضمن ده ها ظواهرات عظیم خود در زمان رژیم شاه خائن، بارها و بارها آزادی قلم و مطبوعات را به عنوان یکی از خواستهای اصلی خود مطرح ساخته بودند بیش از پیش نسبت به سرنوشت آزادی نگران ساخت.

این هجوم جدید به حریم آزادی زمانی صورت می گیرد که خلقهای ما برای آگاه شدن به توطئه های امپریالیسم و ارتجاع، برای شرکت در مجلس مؤسسان و ... به فضای مساعی، برای افشاکری و برخورد با حقایق و عقاید مختلف نیازمندند ...

آنها که این هجوم را تدارک دیدند و آنها که از این هجوم برای رسیدن به مقاصد ضد مردمی خود سود می جویند، قبل از این نیز سعی کرده اند حقایق عظیم تر و بزرگتری را از دیدگان خلق پنهان کنند زیرا که آنها از افشای حقایق در هراسند.

آنها به عنوان دولت موقت، در حالیکه سه ماه از قیام بر شکوه خلقها می گذرد، هنوز حاضر نشده اند، از هزاران سند و قرارداد سنگین نظامی - سیاسی - اقتصادی حتی یک سند را برای آگاهی دقیق خلق نسبت به آنچه که در راهش خون داده است، در اختیارش بگذارند. بدین ترتیب آنها تا بحال بزرگترین سانسور را برای پوشیده ماندن توطئه های امپریالیستی جایز شده است.

آنها در جواب توده های که خواهان لغو فوری و آگاهی بر مفاد این قراردادهای سنگ آو هستند، حجم قطور قراردادها، اطاق های دربسته، و وکلائی آمریکائی را نشان می دهند. و اعلام می دارند که به همراه وکلائی آمریکائی در اطاق های دربسته ایمن قرارداد های قطور را مورد مطالعه قرار خواهند داد تا نسبت به لغو آنها تصمیم بگیرند.

اما شاهکاری که آنها پس از سه ماه و اندی که از عمر "دولت موقت" می گذرد، زنده اند نشان میدهد که چه توطئه سنگ آوری را برای خلق ما تدارک دیده اند. آنها پس از این مدت از میان هزاران قرارداد

فیما بین ایران و آمریکا تنها قرار داد کاپیتولاسیون را که ۱۶ سال پیش از این مورد مخالفت و انزجار تمام استقلال طلبان و از جمله آیت الله خمینی قرار گرفت، و آیت الله خمینی بخاطر افشاکری آشکار این قرارداد نتگین مورد بیکره رژیم شاه خائن قرار گرفت، لغو شده اعلام کرده اند ... باید از آقایانی نظیر آقای امیر - نظام این سرمایه دار وابسته پرسید آیا برای این قرار داد ها سه ماه وقت مطالعه با وکلائی آمریکا کافی تا لازم بود؟! آیا لغو کردن قراردادها - ثی نظیر قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا که لکه سنگی بر دامن خلق ما ست به مطالعه نیاز دارد؟

همینطور کسانی که این توطئه شرم آور را نسبت به آزادی بیان و قلم هدایت کرده و دامن زدند قبل از این نیز بنام "پارهاگان" و "رادیو و تلویزیون را به مرکز تاخت و تاز و قدرتی یک بانند معدود و تازه به ایران رسیده قرار داده بودند و بنا تحریف و جعل حقایق، حقایقی که دانستن هر ذره آن برای خلق ما اهمیت حیاتی دارد، چهره انحصار طلبانه و حریمانه خود را به نمایش گذارده بودند.

ولی آنها این همه را کافی ندیدند. و لازم دانستند که جو بیارهای کوچک حقیقت و آزادی را نیز لگدکوب سازند. زیرا که عظمت توطئه های که آنان بر علیه مقدرات خلق ما تدارک می بینند آنچنان است که نفوذ باریکه ای از حقیقت می تواند به سلیسی بنیان کن بر علیه خود توطئه کنندگان بدل گردد.

بدین لحاظ از نظر آنان باید که آزادی را بهر طریق که هست مورد تهاجم قرار داد. و بهمین جهت است که آنان که اداره کارخانه های سرمایه داران وابسته فراری را بدست کارگران عملی " ضد انقلابی " می شمرند، آنان که دهقانان ستم دیده را که بیسه - صادره زمینهای دریا ریان و زمینداران بزرگ هست گماشته اند، " ضد انقلابی " معرفی می نمایند، آنها که مردم را به گذشت و مدارا با سرسپردگان و مهره های رژیم قبلی در ادارات و ارتش و ... دعوت می نمایند و آنها که ساواکی ها را به استخدام خود درآورده اند ... با سوء استفاده از نا آگاهی و اعتماد موقتی بخش بزرگی از توده ها، آنها را برای افشال روزنامه ها، اخراج اعضای هیئت مدیره و شتم و فحش نویسندگان متعهد گسیل میدارند. غافل از اینکه آزادی راه خود را بهر ترتیب که باشد، می یابد. و توده ها بر آنچه از آنها کتمان می شود، بر آنچه که امروز تحریف و جعل می شود آگاه خواهند شد.

ادامه از صفحۀ اول در باره وحدت

دو آلترناتیو در مقابل یکدیگر قرار میدهد ، نه تنها مانعی جدی در راه وحدت جنبش کمونیستی ایجاد میکند ، بلکه ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر را بدلیل انفرادمنشی وجدائی طبعی گروهها ، عملاً دچار وقفه و اختلال مینماید . و باز اضافه کردیم که این دیدگاه بطوریکجا تنبه وبدون توجه به اهمیت نقش مبارزه آید - ثولوزیک ، اساساً روی " پایه کارگری " این یا آن گروه تکیه کرده و اساساً ارتباط ارگانیک نه طریقی و آموزش ثئوری سوسیالیستی با جنبش خودبخودی طبقه کارگر ، بلکه عمدتاً ارتباط فیزیکی و اکونومیستی با طبقه را مورد نظر دارد .

دیدگاه دیگری که ظاهراً باید دیدگاه اول متضاد بنظر میسرود ، دیدگاه " اختلاف " یا " اتحادیه سیاسی " است که طرفداران آن مطرح میکنند که میتوان با توافق برسر یکبرنامه ومنشورسیاسی مشترک ، فعالیت خود را در زمینهای مختلف کارگری و دموکراتیک هماهنگ ساخته و از این طریق زمینه سیاسی و ایدئولوژیک و عملی مناسب را برای تشکیل حزب فراهم ساخت . این دیدگاه همانطور که در شماره پیش به آن اشاره شد :

اولاً با در دستور قرار دادن یک سری همکاریهایی سیستماتیک و ایجاد یک قطب سیاسی ایدئولوژیک بعنوان اختلاف و جانشین کردن آن بجای " وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروهای م.ل. " مانع از تحقق و بسط سرانجام رسیدن امر وحدت این نیروها شده و با توجه به تشکیلاتی ، استقلال گروهها ، در واقع این دیدگاه آنچنان طرف تشکیلاتی ای ارائه میدهد که در آن نه تنها با انحرافات نظیر سکتاریسم ، گروهگرائی ... مبارزه نمی شود ، بلکه زمینه مناسبی نیز برای رشد و دام زدن به این ضعیفها بوجود می آید و در نتیجه جدا - ثوی پراکندگی نیروهای م.ل. همچنان ادامه پیدا میکند . ثانیاً طرح اختلاف بجای برداختن به مبارزه آید - ثولوزیک و تأمین وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروی م.ل. ، با تأکید یکجانبه بر جنبه های تفاهم و اشتراک نظر و وارد شدن در یکسری فعالیت های مشترک در طی یک دوره و سرگرم شدن به آن ، وحدت جنبش کمونیستی را به تأخیر می اندازد .

ثالثاً در این دیدگاه ، بدلیل عدم توجه به مبارزه ایدئولوژیک و مشخص شدن جنبه های وحدت و اختلاف ، همواره ضرورت و اولویت تعیین برنامۀ و سیاست قبیل از ورود بهمکاری با یکدیگر ، به فراموشی سپرده میشود که نتیجه اش ادامه حرکت خودبخودی و غیر آگاهانه گروهها و حاکمیت اشنگی ، تشتت و خرده کاری بر آنهاست . رابعاً دیدگاه اختلاف ، همواره چشم بر امکانات موجود دارد و بجای حرکت از این موضع که " چه باید کرد ؟ " به " آنچه میتوان انجام داد " دلخوش میشود که نتیجه آن چیزی جز ادامه خرده کاریهای گذشته و متوقف ماندن امر وحدت نخواهد بود .

در مقاله قبیل ، همچنین اشاره کردیم که دیدگاه منکی " بر ارتباط ارگانیک " آنجا که در برابر تشتت ، پراکندگی و خرده کاری های موجود در جنبش کمونیستی بعنوان یک واقعیت تلخ زویرو میشود و در عین حال پاسخ مناسبی برای آن ندارد (چرا که از قبل خود را با آن پیش شرط گذاشتی خلغ سلاح کرده است) ، چاره ای جز آن ندارد که برای تسکین موقت این بیماری همسان دارویی را تجویز کند که طرفداران طرح اختلاف با آن موافقت دارند و این راهی است که همواره بر سر راه طرفداران این دیدگاه وجود دارد و تصادفی هم نبوده و نخواهد بود که ما مدافعین این دو دیدگاه را علیرغم اختلاف در نقطه عزیمتمان در پایان کار در کنار یکدیگر مشاهده میکنیم * همانطور که مشاهده میشود نقطه اشتراک این دو دیدگاه را میتوان در کم بهادادن به مبارزه ایدئولوژیک و برنامه و سیاست پرولتری و در واقع ندیده گرفتن نقش

عصر آگاه و اهمیت آن و تسلیم در قبال حرکت خود - بخودی (دیدگاه اکونومیستی) و همچنین تأکید و یا توجیه جدائی و استقلال گروهها (دیدگاه سکتاریستی) و ادامه تشتت و پراکندگی آنها خلاصه نمود .

دیدگاه برنامه سازمان ما در باره وحدت نیروهای مارکسیستی - لنینیستی

جنبش کمونیستی ما امروز از دو وضعیت اساسی رنج میبرد : عدم ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با جنبش کارگری و پراکندگی و تشتت میان خودنیروهای این جنبش بدون تردید ، دو ضعف فوق ، در ارتباط لاینفک با یکدیگر قرار داشته و لازم و ملزوم یکدیگرند تشتت و پراکندگی در جنبش کمونیستی خود معلول جدائی نیروهای م.ل. از جنبش طبقه کارگر میباشد ، در حالی که پیوند با جنبش کارگری خود نیاز مند وحدت هرچه بیشتر نیروهای م.ل. با یکدیگر میباشد .

در شرایط کنونی که جنبش کمونیستی ما در آن قرار دارد ، یعنی تشتت ایدئولوژیک و سازمانی نیروهای وابسته به این جنبش و نداشتن ارتباط لازم سیاسی - تشکیلاتی آن با طبقه کارگر از یک سو و مجموعه وظایف متعددی که رشد جنبش کارگری و دموکراتیک (بخصوص در جریان قیام بهمن و پس از آن) در برابر کمونیستها قرار داده است ، در چنین شرایطی روشن است که هیچ نیروی م.ل. نمی تواند اهمیت وحدت را مورد انکار قرار دهد . براین اساس ، ایجاد حزب وظیفه مرکزی و محوری کمونیستها را تشکیل میدهد .

حزب به مفهوم واقعی آن ، از تلفیق ثئوری سوسیالیستی یا جنبش خود بخودی طبقه کارگر بوجود می آید . ایجاد چنین حزبی همچنین نه بوسیله یک یا چند گروه معدود کمونیستی و نه جدا از شرکت فعال در زندگی و مبارزات روزمره طبقه کارگر امکان پذیر خواهد بود حزب در پروسه سمت گیری ارتباط و پیوند نیروهایی م.ل. با جنبش کارگری و بردن ایدئولوژی و سیاست پرولتاریائی برپایه این جنبش از یک سو و مبارزه با ایدئولوژیهای این نیروها در پالایش و زدودن ایدئولوژی های غیر پرولتری در سنج جنبش کمونیستی و در همین رابطه وحدت سیاسی ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروهای م.ل. از سوی دیگر است .

بعقیده ما قرار دادن وحدت و یا چند گانه کمونیستی در نقطه مقابل وظیفه پیوند این گروهها با طبقه کارگر و موکول ساختن امر وحدت نیروهای م.ل. به امر ارتباط سیاسی - تشکیلاتی این نیروها با طبقه کارگر همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم ، ناشی از یک دیدگاه اکونومیستی و در عین حال سکتاریستی است ، چرا که این دیدگاه نقش عنصر آگاه را مخدوش نموده و سیر جریان وحدت را که یک عمل آگاهانه و قانونمند این دیدگاه است به یک مجرای کاملاً خود بخودی می اندازد و نتیجتاً جدائی و پراکندگی را بر صفوف جنبش کمونیستی تحمیل می نماید .

ما همچنین اعتقاد به آن ایده ای را که ظاهراً برای از بین بردن پراکندگی موجود در میان کمونیستها و براساس وحدت نسبی مواضع سیاسی ایدئولوژیک ، یک دوره " اختلاف " و یا " اتحاد سیاسی " را تبلیغ میکنند نادرست میدانیم . این ایده و این نقطه نظر نیز از آنجهت که طی یک دوره " طرف " ، " حمل " تشکیلاتی خاصی را پیش شرط و مقدمه و حدت نیروهای م.ل. قرار داده آنرا بصورت یک آلترناتیو در مقابل وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروهها م.ل. در می آورد و الزاماً بر استقلال سیاسی و سازمانی آنها تأکید مسمی و رز د ، دیدگاهی فرا کمونیستی و نهایتاً سکتاریستی است .

ما معتقدیم که در جریان مبارزه ایدئولوژیک برای تأمین وحدت ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی ، گروههای م.ل. باید و میتوانند با یکدیگر همکاری داشته باشند . اما این همکاریها می بایست در خدمت وحدت و در

بستر مبارزه ایدئولوژیک برای تسریع و تحقق بخشیدن به امر وحدت باشد و نه جانشینی بجای وحدت . به نظر ما هیچگونه مانع و رادعی برای وحدت گروهها نیست که با شناخت نسبتاً کافی از یکدیگر (که این شناخت میتواند از طریق برخورد با نقطه نظرات سیاسی و ایدئولوژیک گروهها و عملکرد و فعالیت آنها - در گذشته و حال و بخصوص در کوران مبارزه ایدئولوژیک و فعالیت های مشترک در صحنه جنبش بدست آید) ، در اساسی ترین زمینه های ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی وحدت نظر دارند ، وجود نخواهد داشت .

ما همچنین معتقدیم که همواره مسائل درجه چندی وجود داشته و دارند که اختلاف برسر آنها نمیتواند مانع از وحدت تشکیلاتی گروهها با یکدیگر بشود . آنچه که اهمیت دارد ، بدست برسر مسائل عمده و اساسی است و نه الزاماً وحدت برسر هرگونه مسائل فرعی و جزئی ، اینگونه اختلافات میتواند نادر درون یک سازمان نیز وجود داشته باشد اما طرح پیشنهادی ما بر اساس این دیدگاه از وحدت عبارت نخواهد بود از ایجاد " سازمان واحد کمونیستی " که حتی المقدور مجموعه نیروهای از جنبش کمونیستی را که ما دفاً در جهت ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر می بینیم و برسر امثلترین مسائل سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی وحدت پیدا کرده اند ، در برمیگیرد . این سازمان ، الزاماً بمعنای آن نیست که در برگیرنده تمامی نیروهای جنبش کمونیستی باشد ، و چه بسا که ما در آینده و بدنبال یک دوره مبارزه آیدئو - لوزیک ، با توجه به گرایشات و نظرات سیاسی - ایدئو - لوزیک مختلف در سطح جنبش کمونیستی ، با دو یا چند قطب و مرکز (سازمان واحد) کمونیستی روبرو باشیم که هر یک از این مراکز عموماً زمینه جذب این یا آن گروه و تشکل م.ل. باشد و طبیعتاً در چنان شرایطی هر گروه و تشکلی با توجه بوحثت سیاسی - ایدئولوژیک خود با هر یک از این مراکز ، بطور غالب ، دیگر محملی برای حفظ استقلال گروهی خود نخواهد داشت و در واقع بدون مرز بندی دقیق سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی با هر یک از این مراکز هیچگونه توجیهی برای پی ریزی شکل مستقل وجود نخواهد داشت . همچنین " سازمان واحد " کمونیستی - مورد نظرها ، الزاماً بمعنای حزب ، بمعنای هر چه در شماره

پیش بیان اشاره کردیم ، نبوده و میتوان آنرا بعنوان نقطه و گام اولیهای برای حزب طبقه کارگر و حرکت آگاهانه ای در جهت متمرکز نمودن صفوف کمونیستها و پاکسازی جنبش کمونیستی از انحرافات گروهگرایانه و سکتاریستی و در جهت فعالیت در میان طبقه کارگر بجا آورد . هم اکنون با توجه بوحثت نسبی این دو در برسیار از اساسی ترین خطوط ایدئولوژیک و سیاسی در میان بسیاری از نیروهای م.ل. با هم دیگر وجود دارد و با توجه به زمینه ها و ضرورت عینی ای که جنبش در برابر این نیروها قرار داده است ، هرگونه محافظه کاری و مطلق بینی در جهت فراهم ساختن شرایطی که بتواند بوحثت کامل این نیروها کمک بنماید ، مردود و محکوم است . البته این امکان وجود دارد که بدنبال وحدت دویا چند گروه کمونیستی و در جریان پراکتیک انقلابی ، انشعاب و جدائی های صورت پذیرد . این امر هیچوجه نباید توجیهی بشیر جدائی کنونی گروهها از یکدیگر باشد . چرا که امروز انشعابات ، چند دستگیها و اختلافات ، بعد از وحدت چند گروه و حتی تشکیل " سازمان واحد " ، با تفرقه و پراکندگی کنونی که بر سازمانها و گروههای کمونیستی حاکمیت دارد و حاصل یک تشتت ثئوریک و ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی و فقدان مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته و جهت دار است ، ما همتا تفاوت قرار .

بدون تردید در جریان قطب بندیهای آتی ، سالم ترین و انقلابی ترین نیروها بر اساس مواضع مشترک پرولتری و با طرد جریانات انحرافی و اپورتونیستی از صفوف خویش ، سازمان و تشکلی را بوجود خواهند آورد که از کیفیت و توان بسیار بالاتری برخوردار بوده و به بهترین شکلی زمینه را برای ایجاد حزب طبقه کارگر فراهم خواهد نمود . در باره " اهمیت این " سازمان واحد " و پلنترم وحدت پیشنهادی ما ، در شماره های آینده بازهم سخن خواهیم گفت .

مخالف سبب هرز روی نیروها و امکانات میشود . در حالیکه اتحاد اینگونه محافل و هماهنگی فعالیت آنها میتواند به پیشبرد نفوذ سیاسی - تشکیلاتی ما در میان کارگران و همچنین توده ها کمک شایانی بکند . بهمین جهت محافل مارکسیست - لنینیست در کردار باستی متحد شوند تا از این طریق با هماهنگ کردن فعالیت های خود و جلوگیری از هرز روی نیروها و امکانات ، نیرو و امکان وسیعتری برای تبلیغ و ترویج و سازماندهی فراهم کنند .

انقلاب دمکراتیک و رهبری پرولتاریا " مبارزین آزادی طبقه کارگر " ص ۴۲ ، ۴۸

نباید متحد شوند و نیروهای خود را هماهنگ سازند ؟ بالعکس این محافل هم میتوانند هم باید متحد گردند زیرا برقراری ارتباط سیاسی تشکیلاتی با پرولتاریا مستلزم فعالیت وسیع و همه جانبه ای است که از عهده محافل جدا از هم ساخته نیست امکانات محافل مجزی و غیر مرتبط با یکدیگر نمیتواند تبلیغ و ترویج و سازماندهی توده های وسیع کارگرانی را که هر روز بیشتر به ضرورت اتحاد و تشکل بی می برند نکا فوئند و علاوه بر این فعالیت متوازی و غیر متمرکز این گونه

* " شرط اساسی و اولیه چنین وحدتی ارتباط سیاسی تشکیلاتی با طبقه است . بدون پیوند با طبقه ، وحدت سازمانی نه ضرورتی دارد و نه استحکامی و بهمین جهت چنین وحدتی نمیتواند انعکاس واقعی خواستهای پرولتری را ممکن سازد و با سانی از هم پاشیده خواهد گشت اما آیا اگر وحدت تشکیلاتی محافل مارکسیست - لنینیست موکول به ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا ، این بدان مفهوم که محافل مارکسیست - لنینیستی که در جهت ارتباط با پرولتاریا موضع گیری کرده اند نمی توانند و

هر زمان انقلابی! رفقا! در شرایطی که فحاش شوم فاشیم آماده است تا با الهای سیاهش را بر فراز میهنمان بگستراند، در شرایطی که میوه چینان انقلاب و انقلابیون وارداتی، قلمه های خند مردمی خود را بر پایه های نه چندان محکم چهل و تعصب، این میوه تلخ سالهای سیاه خفقان و دیکتاتوری، بنا گذاشته اند تا بدست آوردهای خلق - آنگاه که ما هدیم - هجوم آورند. بر ما ست که با هشیاری و شهادت، چنانکه ما بایسته هر انقلابی

است، در تحکیم و تقویت صفوف خود مجدانه و مستولانه بکوشیم. گرامی داشت سالروز شهیدانمان رفقا، حسین فاطمی، میترا بلبل صفت، ناصر شایگان شام اسی، ارزنگ شایگان شام اسی، لادن آقا، فاطمه شانه چی، بهروز ارمغانی، فرهاد صدیقی، صدیقه غروی، فاطمه غروی، اسماعیل عابدینی، مهوش حاتمی، غلام عباس زرکاری، احمد رضا قنبرپور،

انوشه فضیلت کلام، این فرزندان خلف خلق، در شرایطی که هم اکنون ۴۲ تن از رفقایمان نیز در زندان ارتجاع آنهم در "بهار آزادی" به یادشان نشسته اند، تجدید عهده است که از سالها پیش، با خلق خویش بسته ایم. سالهایی که بقدرت رسیدگان امر و زور، در کنج لانه های ترس و زبونی، خزیده و به انتظار چرخین روزی تهرین داولتمداری میکردند. رفقا! با درودی بی پایان به شهدایی که در چنین روزی جان خود را وشیقه رهائی خلق از یوغ بندگی و بردگی نهادند، همدردی و پشتیبانی قاطع ما را بپذیرید.

گرامی باد خاطر شهید راه آزادی مستحکم باد پیوند نیروهای انقلابی

شیخ عزالدین ...

در این اجتماع، حدود ده هزار نفر از طبقات و اقشار مختلف مردم گرد آمده و شدیداً نسبت به شیخ عزالدین حسینی - این مبارز دلیور و واقعا خلقی کردستان - ابراز احساسات کردند. و پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزات برحق خلق کرد و تمامی خلقهای مبارز ایران، اعلام کردند.

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران گرامی - سلام و درود مرا بپذیرید. خود را سرفراز میدانم که در خدمت شما هستم. عزیمت ما به تهران به دعوت وزیر کشور، جناب صدراعظم سید جواد انجام گرفت و هدف از این دعوت ملاقات با حضرت آیتالله خمینی و سایر مراجع تقلید، از جمله حضرت شریعتمداری و آیت الله طالقانی بود. ملاقات ما با حضرت آیت الله خمینی رهبر انقلاب، ثمر بخش و باعث تفاهم بیشتر و نزدیکی بهتر گردید. خودتان بهتر میدانید که هنوز انقلاب ایران در نرسیده راه است و هنوز زبانه شمر نرسیده است. که هدف از انقلاب درگروشی شکل حکومت نیست. دست است که ما قدمهای استواری برداشته ایم و رژیم استبداد و دیکتاتوری را واژگون نموده ایم ولی هنوز مبارزه ادامه دارد. مبارزه خلقهای ایران برای بدست آوردن آزادی و دگرگونی بنیادی اقتصادی و سیاسی است. مبارزات خلق کرد جزئی از مبارزات خلق های ایران می باشد و ملت کرد جزئی از ایران و همیشه با ایران بوده و خواهد بود. ولی باید همیشه دست به دست هم بدهیم و وحدت خود را حفظ کنیم تا بتوانیم انقلاب را به ثمر برسانیم. ملت کرد، سالهای متعددی است که در راه بدست آوردن حقوق خود مبارزه نموده و مبارزاتش در درون مبارزات ایران اوج گرفته است. هنوز ارتجاع و امپریالیسم جهانی دارند برای اینکه انقلاب ایران را از راه خود منحرف نمایند و دوباره ارتجاع به صورت دیگری بومردم ایران تحمیل شود فعالیت میکنند. تجربه نشان داده است که آزاد ملت همیشه پیروزی در بردارد بشرطی که ملت با هم متحد و همگام باشد.

کند. ما پشتیبانی خود را از تمام آزادخواهان جهان اعلام میداریم. ما پشتیبانی خود را از ملت فلسطین اعلام میداریم. ملت کرد درود خود را به ملت فلسطین میفرستد. من به جمعیت محترم کرد های مقيم مركز توصیه می نمایم که بیشتر با هم متحد شوند و ننگ از دوش عوام را از دوش آنها بنام اسلام و زیر سایه دوش سنگی ایجاد کنند. چون این دوش سنگی به زبان خلق کرد و خلقهای ایران خواهد بود. باید تحت عنوان کرد و کردستان همه با هم متحد شوند. و خلقهای ایران باید زیر عنوان ایرانی بودن و مسلمان بودن و آزادخواهی دست به دست هم برای اتحاد بدهند و تفرقه اندازان و گروه سازان نباید اجازه داشته باشند که ما را از هم جدا کنند و تفرقه بیندازند و متحد نمایند. ما هنگامی میتوانیم به سعادت برسیم که با هم متحد باشیم و در راه آزادی حقه و آرمان خود تلاش و مبارزه نماییم. آرمان ما آزادی و مساوات و برابریست ما باید جامعه های سازمان که جامعه بر فرد حکومت کند و فرد در درون جامعه زندگی نمایند. ما اجازه نخواهیم داد که دیگر دیکتاتوری به ایران باز گردد و ارتجاع حکومت نماید. خواه در هر لباس باشد و در هر شیوه ای و در هر رنگی باشد. ما ارتجاع و استبداد را محکوم میکنیم. (ابراز احساسات شدید خسار و فریاد های درود بر حسینی) ما به همه برادران خود، آن رایجانی، تی، بلج، فارس و همه خلقهای ایران توصیه مینمایم که دست وحدت بدست هم بدهند و همه ما با هم برادران امید دهند تا همه به حقوق خود، که خود مختاری در چارچوب ایران آزاد و دمکراسی است برسند. من از جمعیت کرد های مقيم مركز و جمعیت آن رایجانیسی مقيم مركز، مسئلت دارم که دست اتحاد بدست هم بدهند و با هم همکاری کنند و با سایر جناحهای شرقی و گروه های شرقی احزاب شرقی همسنگی بیشتری داشته باشند و ننگ از دوش و بیگانه پرستان از اختلاف ملی، اختلاف مذہبی سوء استفاده نکنند و مردم را در مقابل هم قرار ندهند. مذہب و مسلک همه برای سعادت انسان است. مذہبی مردم را در مقابل هم قرار ندهد و آنها را استثمار کند. آن مذہب، مذہب الهی نیست (ابراز احساسات شدید حضار و فریاد های درود بر حسینی).

ما ارتجاع و وجود راد رهبرای که باشد محکوم میکنیم. جمود مذہبی و جمود سیاسی و تعصب کورکورانه مذہبی و سیاسی و فرقه ای را محکوم مینمایم. (فریاد های صحیح است) ما میخواهیم ملت ایران سرزوش خودشان در دست خودشان باشد. چون ملت ایران رشد سیاسی و رشد اجتماعی دارد و وحدت بلوغ رسیده است بنا بر این قیم نمیخواهد.

ما اجازه نمی دهیم که دیگر بیگانگان بر ما حکومت کنند و مواهب خدادادی ما را بخرات بیزند ما امپریالیسم جهانی را محکوم می نمایم و هرگز اجازه نمی دهیم دیگر به ایران باز گردد. ما به روحیات شرقی و مذہبی که در راه خدمت به مردم باشد ارج می نهمیم. ما مذہبی که فضیلت و تقوی و راستی و آزادی را برای مایه ارمغان می آورد ارج می نهمیم و اورا گرامی میداریم. ما به همه گروه های شرقی که در راه مردم و سعادت ملت ایران و حقوق خلقهای ایران گام بر میدارند ارج می نهمیم و از آن پشتیبانی میکنیم. (گف بزین حضار)

من درود خلق کرد را به شما هم میهنان عزیز، فارس و ترک و سایر برادران ایرانی می فرستم. خلق کرد همیشه با ایران بوده و از ایران جدا نیست و این افسانه تجزیه طلبی را ما محکوم میکنیم. ما هیچگاه از ایران جدا نیستیم.

ما پیوند خودمان را، پیوند خلق کرد را با خلق آذربایجان را با خلق عرب و با خلق بلوچ و با خلق فارس مستحکم تر می نمایم. ما خود مختاری خود را در چارچوب ایران میخواهیم. و از راه مذکره. مبارزات ملت خلق کرد هیچگاه از مبارزات خلقهای ایران جدا نیست.

در خاتمه درود خود را به تمام شهدای ایران، شهدای خلق ایران میفرستم (حضار، درود، درود، درود) از خداوند متعال مسئلت دارم که همه خلقهای ایران را تا پیروزی توفیق دهد.

که ایران آباد و ایران آزاد و ایران دمکراسی که حقوق همه خلقهای ایران را در بر داشته باشد، توفیق دهد و همه ما را سلامت بدارد. خدا حافظ.

حضار را ابراز احساسات شدید و فریاد های درود بر حسینی تأیید خود را از سخنان آیت الله شیخ عزالدین حسینی اعلام نمودند.

گرامی باد خاطر مجاهدین شهید محمد صغیر زاده، سعید حسن،

اصغر فرعی زادگان، محمود عسکری زاده و رسول مشکین فام

چهارم خرداد تجلی دیگری از دلایرها و صداقتهای فرزندان راستین خلق ماست، چهارم خرداد الهام بخش آنان است که در راه زخم کشان خلق ورهائی و بهر روزی آنان از سرجان خویش میگذرند.

چهارم خرداد با نام مجاهدین عزیز چون محمد و سعید و اصغر و محمود و رسول بر تارک افتخارات و مجاهدتهای انقلابیون ایران میدرخشد.

چهارم خرداد با زبانت شگفت انگیز صداقت و صمیمیت انسانهای ارجمندی است که در مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن در ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند و در ایفای رسالت انقلابی خود از هر خطری با آغوش باز استقبال کردند و جز به رهائی خلق نیندیشیدند.

انقلابیونی که در طول چندین سال مبارزه سخت و خاموش خود، در آن دوران سیاهی که آیه های یاس از هر طرف میبارید، در آن زمانه که پیروزی در نظر بسیاری از مدعیان مبارزه، شعله کم سوئی از دورهم نبود پیروزی خلق و شکست دیوا امپریالیسم و ارتجاع را چون خورشیدی تابانک دیدند و بسوی آن نغز زدند، ره کشوند و در راه آن جان باختند.

فریاد آنها در بیداد گاههای رژیم سفاک شاه دایر بر اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی همچنان در فضای میهن ما طنین انداز و الهام بخش است. فریاد آنها افشاگر زمره ها و نعره های تفرقه افکنانه و رسوا کننده مدعیان

در ضمن حمایت از مجاهدین نیز هست. تلاش صادقانه آنان در راه سازماندهی یک تشکیلات

انقلابی برای مبارزه سازش ناپذیر با دشمنان خلق مشت محکی است بر دهان اصلاح طلبان، و اخوردگان و تن آسیان و ترسوهای دیروز که امروز مزورانه بر کرسیهای قدرت (کرسیهایی که بر روی اجساد شهیدان قرار گرفته است) بی هیچ شایستگی انقلابی تکیه زده اند و بر ریشه انقلاب تیشه میزنند.

چهارم خرداد روز شهادت این اولین رزمندگان مجاهد ناقوس بیداری برای همه آنان است که در آتشوب فرصت طلبیهای موجود در جستجوی کشف حقیقت اند.

این مشعل های فرزندان صداقت انقلابی را عزیمت بد ارم، و در راه پیروزی آرمان انقلابی آنها در جهت محو کامل سلطه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنیم. یادشان گرامی باد.

از آثار و جادید ساندان؛

تقدیر بر پیش سوی مبارزه با دیکتاتوریک ضامن وحدت جنبش کمونیستی (ا)

از آثار و جادید ساندان؛ سازمان چرخهای فدایی خلق ایران

موظفان مبارز!

کنگهی مالی خود را ب حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات

ایران شعبه امیرآباد جنوبی ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱

• اجزای طرح نو استعماری در عمان مشکلات دهم امکان‌ناپذیر برای انقلاب فراهم آورد.

- امپریالیسم آمریکا راه‌سای جدیدی برای غارت عمان فراهم آورد.
- توانستیم راه را برگزینیم برای نادرست چه ماجراجویانه و چه تسلیم طلبانه بر بنیم.

و پیچیده بویژه که این اقدام باید همه جانبه بوده هیچ جنبه‌ای را از قلم نیندازد و با توجه با اینکه درجه اهمیت زمین‌های عمل فرق میکند آنطور نباشد که منطقی را شامل شود و دیگری را نه و یا روستا را در بر گیرد و شهر را فراموش کند .
دشمن در کمین ماست و به اقدامات احتیاطی شدید و گسترده‌ای دست می‌زند ، عناصر میهن پرست و حتی هم وطنان بیگناه را طی دستگیریهای بی‌بایی بزدان می -

در شماره پیش‌طی مقاله‌ای به تاریخ مبارزاتی خلق عمان اشاره کردیم و وعده دادیم که ترجمه مصاحبه‌ای را که مجله الهدف ، ارگان جنبه خلق برای آزادی فلسطین با رئیس‌کمیته اجرائی مرکزی جنبه خلق برای آزادی عمان رفیق عبدالعزیز القاضی ترتیب داده و در شماره ۳ مارس ۱۳۷۹ (اسفند گذشته) آن مجله چاپ شده است برای اطلاع خوانندگان عزیز بمنظور تحکیم روابط مبارزاتی بین خلق‌های ایران و عمان بیاوریم ، اینک ترجمه آن مصاحبه :

مصاحبه با یکی از رهبران انقلاب عمان رفیق عبدالعزیز القاضی

اندازد و این البته امری است طبیعی که با توجه به ماهیت امپریالیستی ، ارتجاعی و پلیسی دشمن تعجبی ندارد خصوصاً با توجه به اینکه رژیم حاکم و اربابان او خود نیز حرف‌خویش‌را که مدام در دستگاه‌های خسری خود تکرار میکنند و میگویند که خطرات انقلاب بسیار رسیده و رژیم از ثبات برخوردار است باور ندارند ، آخر آنها صرفنظر از یاه‌های تبلیغاتی نشان بخوبی درک و بطور روز مریه لمس میکنند که انقلاب همچنان موجود و پابرس جاست و خطراتی که آنها را تهدید میکند کاملاً وجود دارند ، در زمینه موانع و مشکلاتی که بر سر راه ما وجود دارد همچنین باید از کمبود کادر و تأثیرات ناشی از طرز تفکر قبیله‌ای و ایدئولوژی قبیله‌ای و بقایای بیسواد کامل یا جزئی حتی در صفوف بسیج‌سازی از اعضاء سخن گفت . اشکالات و موانع مشابه دیگری نیز مخصوص در جامعه‌ای مثل ما وجود دارد . ما فعالانه و بطور مستمر و برحسب امکان‌ها تلاش می‌کنیم که بر این موانع و مشکلات فائق آئیم . کلیه موانع و مشکلات را میتوان تدریجاً در عمل از بین برد ، البته با عملی درست و کافی که در سمت‌نابودی آن موانع انجام شود .



س : از زمانی که شما شعار : " در راه باز سازی مجدد خود از لحاظ فکری ، سیاسی و نظامی و ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم " را مطرح کردید مدتی می‌گذرد این شعار پس از عقب‌نشینی نیروهای شما از مناطق آزاد شده طرح گردید . سؤال این است که مبارزه شما در راه باز سازی مجدد بجا رسیده ، دست آورده‌های شما در اینراه چه بوده و با چه مشکلاتی مواجه بوده اید ؟
ج : ما بایم قبل از هر چیز یک نکته را توضیح دهیم و آن اینکه پس از شکست نظامی موقت نیروهای ما در میدان نبرد و عقب‌نشینی بزرگ ما از منطقه غربی استان جنوبی عمان ما با مرحله‌ای روبرو شدیم که تقریباً یکسال طول کشید از ژانویه ۷۶ تا ژانویه ۱۹۷۷ . مشخصه این مرحله عبارت بود از نمودهای متعدد رکود در اوضاع انقلاب در ظفار و بروز هرج و مرج و اختلافات و از هم گسیختگی صفوف درونی انقلاب و جروبحثهای فراوان چه در داخل جنبه و چه خارج از آن ، بنظر ما این امر از یکسو نتیجه مستقیم شکست موقت و عقب‌نشینی بزرگ ما و عواقب و عکس‌العملها و تأثیرات عمیقی بود که در نتیجه آن در روحیه مردم پدید آمد و از سوی دیگر نتیجه غیر مستقیم اختلافات دیرین در رهبری آنزمان و مجموعه اشتباهات و نقطه ضعفهایی بود که در بافت داخلی جنبه وجود داشت . براین اساس اجرای برنامه مرحله ای طرح شده از طرف رهبری که نتیجه سومین نشست آن بود و در شعاری که ذکر گردیده تجلی مییافت دقیقاً از فوریه سال ۷۷ یعنی درست یکسال و یازده ماه پیش‌آغاز گردید . طی این مدت ما گام بزرگ و مهمی در راه اجرای مواد طرح شده در برنامه مزبور برداشته‌ایم ، برنامه‌ای که وظایف مطروحه در آن را با ایجاز تمام میتوان در شعار " در راه باز سازی فکری و سیاسی و نظامی خود و ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم " مشاهده نمود .

• اشکال جدید غارت

س : طی سالهای اخیر سلطان نشین عمان شاهد تحولات سیاسی و اقتصادی بخصوص در محافل وابسته به رژیم و مؤسسات آن بوده است . آیا ممکن است طرح کلی این تحولات را برای ما ترسیم کنید ؟
ج : از زمان اجرای نمایش کودتای انگلیسی‌ها و رویکار آمدن قابوس بجای پدرش ، حکومت متشکل از مستشاران انگلیسی و عقب‌نشاندن جدید شان قابوس میکوشد مجموعه‌ای از اقدامات مدرنیزه کردن و اصلاحات اداری و اقتصادی و سیاسی را پیاده کند ، این امر بطور کلی از ماهیت عملکرد امپریالیسم در همه جای جهان سرچشمه میگردد .

اجزای نیروها و پایگاه‌های بیگانه و تجار و گزر کلیه اشکال آن و تحقق استقلال حقیقی و اعطاء آزادیهای (فردی و اجتماعی) و بی‌ریزی یک سیاست خارجی مستقل ، بیطرف و صلحجو .

امپریالیسم زمانیکه احساس کند که نسبت به نفوذ و منافع آن در کشورهای وابسته خطر رو به فزونی میرود به شیوه کودتاهای ظاهری و تغییر چهره‌ها و بررسی اصلاحات و عقب‌نشینی‌ها نیکه منافع آنرا در اساس منعرض خطر قرار ندهد پناه می‌برد . این شیوه عمسلسل این فرمول جدید استعمار و غارت دارا شیهای خلق‌ها ، در اصل شیوه‌ایست که امپریالیسم آمریکا بوفوح و بنحوی گسترده پس از جنگ جهانی دوم و پس از آنکه نتیجه جنگ توان جدیدی تری از لحاظ سیاسی ، اقتصاد دیونظامی در پهنه جهان بوجود آمد پیاده کرده است . اما نیروهای امپریالیستی جهانی انگلیسی و غیره بخصوص در برابر همبستگی متین و تأثیر روز افزون اردوگاه سوسیالیستی در اوضاع جهان و در برابر گسترش موج آزادیخواهانه و خلقها و قیامهای اوچ گیرنده آنان ، میکوشند تضادهای کشمکشهای بین خود را تخفیف دهند و در بسیاری از موارد اقداماتشان را هماهنگ سازند و از تجارب و ابتکارات یکدیگر سود جویند .

طی مرحله گذشته در زمینه آموزش نظامی جنگجویان و بالابردن سطح قدرت نظامی آنان نیز به پیشرفتهائی نائل آمده ایم . آنچه گفته شد اشاره‌ای است به مهم‌ترین دست‌آوردها و خطوط کلی و عام مسائل . بدیهی است وقتی از موقعیت و پیشرفت در زمینه‌های ذکر شده صحبت میکنیم صرفاً امری مقایسه‌ای بین برنامه‌ها در آنکه هنوز انجام نشده ، پیش‌بود و آنچه الان هست می‌باشد .

بدین ترتیب همواره با شدت گرفتن " خطر " انقلاب انگلیسی ، با همکاری و مشورت‌های امپریالیسم آمریکا سعی کردند برخی اصلاحات را به سلطان نشین عمان وارد کنند . ابتدا سلطان سابق را برداشتند و سلطان جدید را از طریق یک کودتای نظامی که طرح آنرا انگلیسی‌ها ریخت بودند و افسران انگلیسی مستقیماً خود آنرا پیاده کردند ، برسر کار آوردند .

اوضاع ما در کلیه زمینه‌های ذکر شده و در زمینه‌های دیگر همچنان نیازمند تقویت و تکامل است ، هنوز نقاط ضعف آشکاری داریم که نیازمند علاج و بهبودند کما اینکه بخش مهمی از برنامه مرحله‌ای هنوز بی‌پایان نرسیده است . طبیعی است وقتی میگوییم شروط و وظایف برجسته‌ای که برنامه ما وجود دارد که هنوز انجام نشده ، بدین معنی نیست که کار را باید در این مرحله تا تکمیل شروط و وظایف مزبور متوقف کرد . مبارزه ما علیه دشمنان خلقمان طی مرحله‌ای که از پیاده شدن آن برنامه گذشته هرگز متوقف نشده چه در اشکال مختلف سیاسی و توده‌ای و چه در اشکال مسلحانه و خون‌آمییز . ما کلیه این اشکال مبارزاتی مختلف را بر طبق روح و محتوای برنامه مرحله‌ای ادامه داده و میدهیم . برحسب این برنامه مستقیم اولویت از آن باز سازی اوضاع داخلی و تقویت و تصحیح آن است ، همراه با ادامه مبارزات مختلف در چارچوب امکانات عینی و ذهنی موجود و در محدوده‌ای که مانع پیشروی مادر تکمیل و پیاده کردن وظایف مرحله‌ای مربوط به باز سازی مجدد خود نباشد .

حکومتی را که در رأس آن سلطان قرار داشت تشکیل دادند و شورای وزیرانی را بوجود آوردند که از افراد خاندان سلطنت و برخی شخصیت‌های سیاسی سنتی و عمده معدودی از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های خارج با دوزیر انگلیسی که بطور رسمی از آنها اسم برده نشد و وزارت دفاع و دارائی را بعهده داشتند تشکیل میدهند ، دستگاه‌های دولتی دیگر منجمله ارتش ، پلیس ، پلیس مخفی ، دادگاه‌ها ، زندانها ، ادارات و دستگاه‌های غیر نظامی

• بازسازی خود ، عملی دشوار

امادر مورد مشکلاتی که در راه بازسازی مجدد خود با آن روبرو بوده‌ایم باید گفت که ما واقعا با موانع و دشواریهای مواجه بوده‌ایم و البته در این راه و نیز دیگر راه‌های مبارزه ، این امری طبیعی است . اقدام به بازسازی مجدد خود و تصحیح و تحکیم اوضاع جنبه در کلیه زمینه‌ها و سطوح ، اقدامی است شش‌ساق

در پرتو رهنمود این برنامه یعنی برنامه مرحله‌ای داخلی که از سوی رهبری مرکزی تصویب شده بود و در نتیجه پیاده کردن خط مشی برنامه مزبور از همان ماههای اول اجرای برنامه ، توانستیم عواقب و عکس‌العملهای منفی را که نتیجه مستقیم شکست موقت نظامی و عقب‌نشینی بزرگ ما بود حتی الامکان محدود کرده ، از گسترش آن جلوگیری کنیم و توانستیم راه را برگزینیم برای نادرست ، چه ماجراجویانه و چه تسلیم طلبانه بر بنیم ، بطوریکه اندیشه‌های درست و خط مشی انقلابی صحیحی را که برنامه مزبور ارائه میداد کلیه فعالین شما را در برگرفت . آن برنامه گرا بیضی نادرستی را که پس از شکست موقت و عقب‌نشینی چه بصورت خود بخودی و چه آگاهانه با اشکال مختلف ما جرو جویی و تسلیم طلبی تبلور مییافت بطور کامل و نهائی نابود میسازد . طی مدت زمانی که از اجرای این برنامه و عمل برحسب شعار مذکور گذشته است ما پیشرفت مهم و قابل ملاحظه‌ای در بالابردن سطح ایدئولوژیک اعضاء چه در مدار رهبری و چه در مدار کادرها و توده‌های سازمانی با نچسبام رسانده‌ایم ، همچنین در زمینه تحکیم وحدت تشکیلاتی جنبه قدمهای بزرگی برداشته‌ایم . مسئله اخیر تا حد زیادی مربوط به وحدتی است که از لحاظ ایدئولوژیک و خط مشی سیاسی در جنبه و جوده‌اشته و همراه با قواعد و شیوه‌های صحیح سازماندهی متکی بر قوانین سانترالیسم دمکراتیک پیاده شده است . در زمینه گسترش هسته‌های مخفی و علنی سازمانی نیز پیشرفتهای قابل توجهی داشتیم چندین سازمان توده‌ای بمنظور جلب و جذب توده‌ها و اهتمام وجدانه به خواستهای روزمره آنان و جهت دادن به این خواستها و دفاع از آنها بوجود آورده‌ایم همچنین به پیشرفتهائی در زمینه گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب نائل آمده‌ایم ، این اقدام ما از این خاستگاه سرچشمه میگردد که ما معتقدیم انقلاب عمان در مرحله کنونی باید بر اساس گسترده ترین اتحاد ممکن بین طبقات خلقی و بر اساس برنامه حداقتی استوار باشد که وظایف اساسی مشترک را بنحوی زیر بیان میدارد :

در شرایط مشخص کشور ما که بیش از ۵۰ درصد جمعیت آنرا ملیت‌های تحت ستم تشکیل می‌دهند، هیچ تغییر بنیادی و هیچ تحول انقلابی بدون حل مسئله ملی و تامین حقوق خلقها میسر نیست. بدون جلب اعتماد و پشتیبانی فعالان سوسیالیست و بیدریغ ملیت‌ها مبارزه سترگ خلقهای ایران بسرا می نماند. ما امپریالیسم و بنای ایران آزاد و دموکراتیک نمی توانیم به پیروزی نهای برسد.

آینده جنبش ملی

حال ببینیم با توجه به شرایط کنونی سرنوشت جنبش‌های ملی به کجا خواهد کشید؟ آیا خلقهای ایران خواهند توانست به حقوق ملی خود دست یابند؟ اصلا تحت چه شرایطی احقاق حقوق ملی ممکن است؟

جواب ما روشن است. سیستم فعلی حکومتی قادر به حل مسئله ملی نیست زیرا که قادر به درک موضوع نمی باشد. او نمی تواند به ستمگری و اجحافات ملی پایا ن دهد و برابری تام و تمام حقوق ملیت‌ها را تامین نماید. خلقها در چنین شرایطی نمی توانند به حقوق ملی خود دست یابند و به تعدیات، توهین و تحقیرها می که نسبت به غرور و احساسات ملی شان وارد می آید، خاموشی دهند. آنها همچنین نمی توانند در چنین شرایطی هویت ملی خود را بازیابند، خود را بصورت ملت کاملی قوام دهند و سرزمین خویش را از قید و بند عقب ماندگی فاجعه‌ها نجات داده، آنرا به صورت یک واحد اقتصادی زنده، یکنواخت و پویا در آورند. جنبشهای ملی در چنین شرایطی آینده ای جز شکست نخواهند داشت مگر اینکه تمامی تلاش خود را در خدمت تحکیم وحدت و همبستگی خلقهای سراسر ایران و پیوند ارگانیک جنبشهای ملی با انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی سراسری و حرکت در جهت نابودی کامل حاکمیت و نفوذ امپریالیسم در سراسر میهنمان بکار ببرند.

جنبش‌های ملی خلقهای ایران تنها وقتی خواهند توانست از عهده انجام وظایف تاریخی خود برآیند که به سلطه و نفوذ امپریالیسم در تمامی پهنه‌های اجتماعی میهنمان خاموشی داده شود.

سیستم فعلی حکومتی همچنان بنا به سکوت می‌داند و با ظفره روی از دادن پاسخ لازم خود در هر قضایه جنبش‌های ملی و تامین خواسته‌های آن‌ها مدد می‌دهد و بنا به تسلط طبقاتی اش (بنا بر طبق بعد، توضیح خواهیم داد) بناچار در آینده نیز ادامه خواهد داد. حداکثر به یک سری از خواسته‌های فرهنگی خلقها پاسخ خواهد داد. او در صورت رشد و دامنگیری این جنبش‌ها چاره‌ای ندارد جز اینکه تحت لوای نجات میهن و نجات انقلاب به سرکوبی بیرحمانه متوسل شده، خلقها را به خاک و خون کشد.

اگر شان و وسعت جنبش‌های ملی چنان باشد که از حمایت بیدریغ و وسیع توده‌ها برخوردار باشد طوری که با سرکوب و تخطئه کاری نتواند از پیش‌ببرد، بناچار برای آرام کردن اوضاع و تحکیم موقعیت خود بر سر میز سازش و مصالحه با نفوذها و بورژوازی و خیانت به خلقها خواهد نشست، کاری که در حال حاضر نیز تا حدودی انجام می‌دهد. تصور دست‌یابی به حقوق ملی در چارچوب چنین حکومتی بجز خام خیالی، ساده‌لوحی، خوش‌باوری و فریب‌پذیری چیز دیگری نمی‌سواند باشد. اگر جنبش‌های ملی در جهت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم حرکت نکنند و ذهن توده‌ها را نسبتا به اهداف عادلانه خود روشن نسازند، روز بروز ناسیونالیسم ارتجاعی بورژوازی زمین‌رشد بیشتری یافته و ذهن توده‌ها را در چارچوب تنگ و فاسد کندنده خود به بند خواهد کشید.

در این حالت بورژوازی، نفوذها و عناصر ارتجاعی فرصت مناسبی بدست خواهند آورد تا علنا در جنبش‌های ملی‌الیه با پشتیبانی و حمایت دولت مرکزی بدست‌خودگیرند. از خلقها بعنوان گوشت دم توپ استفاده کرده و برای تقسیم غنائم و حفظ موقعیت ممتاز و استثمار گرانه قبلی خود با بورژوازی حاکم به سازش آشکار بی‌پرده تن در دهند. در چنین صورتی این خطر هست که امپریالیست‌ها و عناصر ارتجاعی براحتمی بتوانند در درون جنبش‌های ملی نفوذ کرده و با همیاری نفوذها، بورژوازی و عناصر ارتجاعی از احساسات و شور ملی خلقها در جهت تضعیف هرچه بیشتری انقلاب‌زدا امپریالیستی و امیال و اهداف تجزیه طلبانه و ارتجاعی‌الیه در قالبی مردم پسند - خود مختاری از نوع نفوذالی - سوء استفاده کنند.

در چنین شرایطی نیروهای دمکرات و بخصوص م. ل. ها میبایست بنا بر مریز بنده دقیق، افا و طرد مداوم و خستگی‌نا - پذیر نفوذها و عناصر ارتجاعی و تکیه بر توده‌ها، زحمتکش و بخصوص دهقانان، آموزش و سازماندهی آنها، جنبش‌های ملی را از آلودگی‌ها و انحرفات ذکر شده، میرا

مختلف را نوسازی کردند و سلطان نشین عمان را بعنوان دولتی مستقل به جهان نیا معرفی کرده ابتدا آنرا به جامعه دول عربی وارد نموده در سازمان ملل نیز به رسمیت شنا ساندند، و بالاخره دروازه‌های عمان را چهارطاق در برابر انحصارات و شرکت‌های خارجی از هر تابعیت که باشد از آمریکا و انگلیسی گرفته تا فرانسوی، ژاپنی، کره جنوبی، آلمان غربی و کانادایی و ایرانی آن‌ها با شرایط و قراردادهای ظالمانه‌ای که در کمترجاشی از دنیا میتوان سراغ داد باز گذاردند.

برخی اصلاحات خدماتی در زمینه بهداشت و آموزش و حمل و نقل نیز به عمان وارد کردند. اصلاحاتی از این دست در برخی از کشورهای همسایه عمان بنحو گسترده تر و بزرگتری به مرحله اجرا درآمده است. این اصلاحات هر چند در عمان سطحی و محدود است اما در نظر یک فرد عمانی در مقایسه با آنچه او قبلا از سال ۱۹۷۰ با آن سرکار داشته است چه بسا بزرگ و عمیق جلوه‌کند، با حداقل میتوان گفت که طی ۶-۵ سال اول حاکمیت این رژیم، فدرعانی ممکن بود چنین تهوری را داشته باشد.

بموازات این اصلاحات در عمان تعداد روزافزونی از نیروهای بیگانه بعمان سرازیر شدند و بیگانه‌ها بیشتر برای بیگانه‌نگان بوجود آمد همچنین سرکوب و خفقان و محرومیت مردم از ابتدائی ترین آزادیهای فردی و دمکراتیک به موازات آن شدت یافت. مظهر فساد سیاسی، اداری و اخلاقی و رشوه خوری و وزدی روز بروز بیشتر شد. شاید برای همگان روشن باشد که از مجموع اصلاحات رژیم از ۱۹۷۰ تا کنون بیش از هرکس خود رژیم واریبان امپریالیست‌ان و شرکت‌های انحصاری خارجی و بخشی از بازرگانان بزرگ محلی (کمپرادور) سود میبرند. انگلیس این اصلاحات بصورتی انجام شده است که مستقیما بسا در خدمت هدفهای نظامی و "امنیتی" سرکوبگرانه قرارگیرد یا در خدمت اهدافی که بمنفع بهره‌برداران ریکا و غارت‌کشور بوسیله بیگانه‌نگان باشد یا بمنفع آژانس‌های تجاری بیگانه محلی. از همه اینها نصیب مردم جز چیزی بسیار اندک نیست که عبارت است از برخی اصلاحات محدود در زمینه خدمات بهداشتی، فرهنگی و بکار گماردن بخش بسیار محدودی از عمانی‌ها بکار.

این نکته را نیز باید مورد توجه قرار دهیم که مجموعه اصلاحاتی که رژیم عمالی کرده یک سلسله واقعات و آثار و ارقام جدیدی را در اوضاع طبقاتی و اجتماعی خلق ما پدید آورده و می‌آورد؛ همانگونه که نارساها و مشکلات جدیدی را نیز در زندگی کارگران، دهقانان و اقشار دیگر اجتماعی نظیر بازرگانان، محصلین، ماهیگیران و چوپانان بیبار آورده و می‌آورد. چنین پدیده‌ای هنوز ادامه دارد و روز به روز عمق بیشتری پیدا میکند: اینها واقعات اجتماعی جدیدی هستند که قیل از سال ۱۹۷۰ وجود خارجی نداشتند، منافع جدیدی رشد میکنند و منافع دیگری مورد تهدید قرار میگیرد، امکانات و نیروهای جدید خلقی و طبقاتی که پیش از این وجود نداشت نارساها و مشکلات و خواسته‌های جدیدی برای اشخاص مختلف خلق مطرح است که پیش از این یعنی در دوره رژیم سابق با اصلا وجود نداشت یا به عمقی که امروز هست هرگز نبود. دشمن ملی و طبقاتی خلق ما امروز بیش از هر زمان دیگر بصورت روز مره و ملموس خود را مینماید.

بطور کلی ما معتقد ایم که انقلاب و پیشاهنگ آن "جبهه خلق برای آزادی عمان" از این وضع استفاده میکند و باید بکند و اصلاحاتی که بوجود آمده و پیاپی هائی که با خود آورده همگی بمنفع انقلاب، بمنفع تکامل و در جهت پیروزی آنست. رژیم مستشاران انگلیسی و دست‌نشانده آنها قابوس به برخی اصلاحات و عقب‌نشینیها دست میزند، اینکار را با دست‌چپ انجام می‌دهند تا با دست قوی تر راست بر سرکوب و استبداد و غارت و استثمار و بر مشکلات ما در سطح ملی هرچه بیشتر بیافزاید انگلستان کوشید تا فرمول استثمار نو را در عمان پیاده کند اما آنرا بنحوی کاملا مسخ شده پیاده نمود و شکل دوگانه‌ای از استثمار قدیم و جدید را که از لحاظ ملی تنگ است بر منافغان ندان بوسید (قابوس و...) و یک تشریف‌شده ای باندته کمپرادور - زمیندار - منافع آن با اشکال محدودی از نفوذالیسم در هم آمیخته است، بوجود آورد.

انگلستان در حالی که میکوشد فرمول استثمار نو را در عمان پیاده کند تمام موجودیت مستقیم نظامی و سیاسی سابق خویش را حفظ میکند و بر تعداد مستشاران و فرماندهان خود در زمینه‌های مختلف و مؤسسات نظامی و غیر نظامی میافزاید. علاوه بر اینها مستقیما در حکومت نیز مشارکت دارد.

دارند و آنرا در مسیری درست و در جهت تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی قرار دهند. برای ارزیابی و هرچه روشن تر شدن دیدگاه خود بهتر است قدری بیشتر مکتب نماشیم. ما قیلاکوش کردیم از نظر تاریخی و تئوریک ناتوانی بورژوازی را در تحقق بخشیدن به خواسته‌های عادلانه خلقها در عصر امپریالیسم توضیح دهیم. در اینجا آنرا از جنبه دیگری توضیح می دهیم.

سیاست رژیم حاکم در قبال مسئله ملی

پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، بورژوازی لیبرال به یمن پندارهای فیهی و رهبران خرده بورژوازی و علیل مشخص دیگر بر مسند قدرت خزید و رهبران خرده بورژوازی علیرغم قدرت و پشتیبانی توده‌های وسیع مردم، در کنار بورژوازی (بورژوازی لیبرال و لایبه‌های آن) بورژوازی کمپرادور قرار گرفته و تمام کوشش و نفوذ توده‌های خود را در جهت تقویت و تأیید بورژوازی بکار بردند. در این دوره سیاست تغییرناپذیر و همیشگی سیستم حکومتی در قبال جنبش‌های ملی سکوت موزیانه و ظفره روی از پاسخ مشخص بوده است. مسئولین امور وقتی جنبش‌های ملی اوج گرفتند و خلقها برای کسب حقوق ملی خود پای فشرده شدند، طوری که امکان سکوت و انکار مطلق را از آنان سلب نمود، نه تنها بر حقانیت این جنبش‌ها صحنه نگذاشتند، نه تنها برای تامین خواسته‌های بحق خلقها قدمی بجای نبردند، بلکه با تعجب فراوان که چطور کسانی پیدا شده‌اند و حرف‌های منافی و راهی متضاد از آنچه آنها میروند بر زبان می‌آورند، به انکار موجودیت ملی خلقها پرداختند. از نظر آنها همه اهل سنت واحد... و ملت واحد هستند. آنها از مفهوم مسئله ملی که بر زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، و بر اثر عوامل تاریخی مشخص شکل گرفته است، فقط و فقط "اهل سنت" را درک کردند و عنوان "ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم" آب‌پاکی بیرونی جنبش‌های ملی ریخته، و خیال خود را آسوده ساختند.

البته کار در همین جا فیصله نیافت و همراه بسا اوج گیری جنبشهای ملی، آنها راه چاره دیگری ندیدند جز اینکه عدم توانائی خود را از درک و حل مسئله ملی با تخطئه این جنبش‌ها لاپوشانی کرده، آنها را کنار عوامل ضد انقلاب (ب) قلمداد کنند. آنها بالاخره پیارا فراتر گذاشته و کار را به سرکوب و کشتار خلقها برای آرام نمودن "اوضاع کشیدند و باز با این بهانه‌ها" آشنا که میهن در خطر است. "فصل ویرانگری انقلاب" به پایان رسیده و هرکس در هر نقطه از کشور اقدام به آشوب و تحریک نماید، ضد انقلابی بوده و... شدیدا به کیفر خواهد رسید. ("اعلامیه" ستاد ارتش به مناسبت حوادث سنج). البته اوج گیری بی سابقه جنبش‌های ملی در کردستان و سنج و نیاز مبرم سیستم حکومتی به تثبیت هرچه سریعتر موقعیت خویش، وی را ناچار ساخت که به قبول ظاهری خود مختاری تن در دهد. ظاهری از اینجهت که در حرف خود مختاری را بپذیرد و در عمل با سیرند قدرت به عوامل خود نفوذها، مهار سیستم خود مختاری را بدست دهد. این تلاشی بود در جهت فریب توده‌ها و خالی کردن جنبش‌های ملی از محتوای واقعی و انقلابی خود.

این خود مختاری حدود مرزی نمی شناخت و متعلق به سراسر ایران بود و در حقیقت کوششی بود در این جهت که نشان دهد چگونه سیستم فعلی حکومتی از درک و حل مسئله ملی عاجز ناتوان است (ما در شماره قبل به تفصیل در این باره حرف زدیم)

خلاصه کنیم: دولت تا بحال برنامه مدون و قابل اتکائی در مورد مسئله ملی (همچنانکه در مورد سایر مسائل) ارائه نداده و بنا به ماهیت طبقاتی اش نمی تواند هم ارائه بدهد. او به دولت‌اساسی و مشخص زبیر قادر نیست به ستم ملی پایان دهد. اول اینکه بیچوجه ناتوانائی مبارزه بی‌گبرو قاطع برای نابودی کامل و بی‌چون و چرای سلطه امپریالیسم را ندارد.

دوم اینکه اندیشه بازار اورا در موضع شونیستی قرار داده، از دیدن واقعیت وجودی ملیت‌ها و حقانیت خواسته‌ها نماند.

سه - البته ما همچنانکه قبل از این گفتیم اهداف سنج را که مشخصا توسط عناصر ارتجاعی آفریده شد، ضد انقلابی می دانیم، منتشی رهبران کمزونی عادت کرده اند هرگونه حرکت انقلابی خلقها را در جهت احقاق حقوق ملی "ضد انقلابی" جلوه دهند.

امبارزات و اعتصابات کارگری

در این شماره اخباری داریم از کارگران بیکار که قسمت عمده آنها تحصن و درخواستهای کارگران با ختمانی تشکیل داده است. وجه مشترک این تحصن ها، پراکنندگی، ضعف تشکل و عدم پیگیری کافی میباشد که این از خصوصیات کارگران ساختمانی و ناشی از منشاء طبقاتی آنهاست. اما، نداری و فشار زندگی از یکطرف و ناموفق بودن مبارزه فردی از طرف دیگر آنها را بطور مداوم به هم نزدیک میسازد و در یک صف قرار میدهد.

تحصن کارگران گیلاردیستان

"دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر" در مسجد سلیمان ضمن گزارشی از اجتماع کارگران بیکار گیلاردیستان، به توضیح علل بیکاری پرداخته است. در قسمتی از این گزارش چنین میخوانیم: صبح پنجشنبه ۵۸/۱/۲۳ حدود ۳۰ نفر از کارگران اجرائی گیلاردیستان که حدود ۴ ماه قبل از اخراج شده اند جلوی اداره کار شوشتر گرد آمدند تا درباره بازگشت به سرکار و دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده شان با نمایندگان کارفرما مذاکره کنند. همه کارگران این شرکت ۴ ماه قبل در رابطه با جنبش دست به اعتصاب زده و توسط کارفرما اخراج شده اند. آنان در این جا مثل تمام کارگران بیکار در سراسر ایران با جـواب آشنای "چون کار خوابیده است، نمی توانیم شما را استخدام کنیم" روبرو شدند.

کارگران پس از اینکه تلاشهای رئیس اداره کار برای تفرقه اندازی در بین کارگران به نتیجه ای نرسیده، از میان خود چهار نماینده انتخاب کردند که بدنبال آن نمایندگان در جلو کارگران خواسته ها را در ۲ ورق نوشته و یکی را به اداره کار دادند و دیگری را در نزد خود نگه داشتند. ولسی هنوز که هنوز است کارگران هر روز می آیند و از کار خود نتیجه نگرفته اند. در قسمت دیگر گزارش به عدم آگاهی کافی کارگران نسبت به چگونگی گرفتن حقوق خود که جزا زاره اعمال قدرت و هبستگی میسر نیست، اشاره شده است.

خواستهای کارگران بیکار شده شرکت فنج:

ما کارگران بیکار شده شرکت فنج که از تاریخ ۵۷/۷/۱۵ بیکار شده ایم علاوه بر اینکه حق بیکاری را به ما ندادند حقوق چند برجی را که کار کرده ایم نیز پرداخت نکرده اند بطوریکه تعدادی از کارگران حقوق یک سال خود را دریافت نداشتند. ضمناً اعلام می کنیم که آقای محمد نبوی رئیس اداره کار ایرانشهر اول آبان ماه ۵۷ ضمانت کرد که تا ششم همان برج حقوق ما بطور کامل پرداخت گردد، حال اینکه تا کنون هیچ اقدامی در این مورد نکرده است. حال ما خواستهای برحق خود را در زیر اعلام می کنیم و چنانچه به آنها جواب داده نشود در اداره کار متحصن خواهیم شد تا به خواستهای ما پاسخ داده شود:

- ۱- حقوق عقب افتاده بطور کامل باید پرداخت شود.
- ۲- حق بیمه از کارگران نباید کسر شود، چون از امکانات درمسانی هیچ استفاده ای نکرده اند.
- ۳- برای کلیه کارگرانی که بیکار شده اند باید کار فراهم گردد.
- ۴- حقوق مدت بیکاری باید پرداخت شود.
- ۵- از کارگران نباید مالیات کسر شود.
- ۶- حقوق یک ماه مرخصی کارگراییکه یکسال کار کرده اند و از مرخصی استفاده نکرده اند باید پرداخت شود.
- ۷- از خواستهای کارگران بیکار متحصن در زاهدان پشتیبانی می کنیم.

کارگران بیکار متحصن شرکت فنج

* * *

سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان طی اعلامیه ای پشتیبانی خود را از خواستهای کارگران بیکار اعلام کرده و از همه نیروهای مبارز که از حقوق زحمتکشان طرفداری می کنند خواسته است که از خواستهای کارگران متحصن در ادرا کار ایرانشهر پشتیبانی کنند.

خواستهای شورای کارگران موقت کارگران ایرانشهر:

ما کارگران شرکت های مختلف ایرانشهر با توافق کارگران بیکار بعد از یک راهپیمایی که بمناسبت روز جهانی کارگر در روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) انجام شد نمایندگان سی از خود تعیین کردیم که این نمایندگان شورای موقت کارگر-ان را تشکیل می دهند که با توافق قطعه نامه زیر را صادر و انجام آنها هر چه زودتر از دولت خواستاریم:

- ۱- ما هم مشرکین و کارگاهها بدست خود کارگران یعنی شوراهای موقت آنها سپردنشود و دولت نیز این شوراهای را باید برسمیت بشناسد.
- ۲- قانون کار فعلی باید تغییر کند و با کمک خود کارگران (شورای آنها) قانون کار جدیدی نوشته شود.

۳- حقوق کارگران باید بر اساس هزینه زندگی تعیین شود و یا بالا رفتن قیمتها بهمان نسبت اضافه شود.

۴- از حقوق و مزایای کارگران نباید مالیات کسر شود.

۵- خدمات درمانی و بهداشتی (پزشک، دارو، بهداشتی و بیمارستان) بطور رایگان فراهم و حق بیمه از آنها کسر نگردد.

۶- هر چه زودتر برای کارگران و دیگر زحمتکشان مسکن بطور رایگان تهیه شود.

۷- حقوق کارگران در ایام بیماری ویا بستری و یا استراحت بدستور پزشک بطور کامل پرداخت گردد.

۸- با پرداخت کامل مزد مدت کار باید ۴ ساعت در هفته (۸ ساعت در روز) باشد بطوریکه کارگران پنجشنبه و جمعه تعطیل شوند و در صورت کار دو برابر مزد دریافت کنند.

۹- همه کمترینها با رژیم سابق همکاری و حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان را پایمال کرده اند از محیط کار اخراج شوند.

۱۰- همه پیمانکاران و کارفرمایان خارجی باید از کشور اخراج و اموال آنها به نفع کارگران جمع آوری شود.

۱۱- بین کارگران و کارمندان از نظر تعطیلات فرقی نباشد و کارگران در سال یکماه مرخصی داشته باشند.

۱۲- آئین نامه انضباطی که کارگران را به نفع کارفرمایان اخراج و جریمه میکند باید از بین برود.

۱۳- کلیه نیروهای انتظامی مانند پلیس، ژاندارمری و... نباید در مسائل کارگری دخالت نمایند.

۱۴- شوراهای شرکتها و کارگاهها در همه امور شرکتها از قبیل مخارج، مزد، استخدام و... شرکت فعال دارند.

۱۵- استخدام و اخراج کارگران باید زیر نظر شورای خود آنها باشد و کارفرمایان هیچ حقی در این مورد ندارند.

۱۶- کارگران باید حق اعتصاب و اعتراض داشته باشند و نباید کسی برای آنها مزاحمت ایجاد کند.

۱۷- برای کارگران فرسوده تعاونی ایجاد شود که با قیمت بسیار کم احتیاجات آنها را برآورده سازند و زیر نظارت شورای خود آنها اداره شوند.

۱۸- برای کارگران و مسائل ایمنی فراهم کردن ویک وده غذای گرم، خورمچانی به آنها داده شود.

۱۹- کلیه کارگران پیمانی باید رسمی شوند.

۲۰- کلیه کارگران از کار افتاده که دیگر توان کاری ندارند از کار معاف و حقوق آنها پرداخت شود.

۲۱- در مرحله اول شرکتها و کارگاهها باید از کارگران بیکار خود منطقه استفاده کند.

۲۲- همه کارگران و کارکنان خارجی اخراج شوند و جای آنها به ایرانیان داده شود.

خواستهای فوری کارگران بیکار

۱- سرای کارگران بیکار هر چه زودتر کار فراهم شود.

۲- بکارگران بیکار تا شروع بکار وام بیکاری بر اساس مخارج زندگی آنها پرداخت شود.

۳- وام بیکاری بعد از شش ماه از شروع بکار بصورت درصد کمی از حقوق آنها کسر شود.

۴- چون شرکتها از هیچ نوع قانونی در پرداخت مزد استغاف نکرده اند بنابراین شرط داشتن دفترچه بیمه برای کارگر کارگرانی که وام بیکاری دریافت می کنند، لغو گردد.

شورای موقت کارگران ایرانشهر
۱۳۵۸/۲/۱۱

نامه تقدیمی از کارگران مس پرشته ساکن در معدن بیکار مقام مسئول:

محترماً "به عرض می رسد که در تاریخ ۵۸/۲/۲۲ پاس داران انقلاب کمیته سرچشمه کاری کرده اند که موج ناراضیاتی را در محل ببار آورده موضوع: به گفتار خود ایشان دو نفر از کارگران ساکن در این محل را در حال دزدی گرفته اند و شب شنبه ۵۸/۲/۲۲ تعدادی از پاسداران به محل حمله و در صورتی که ساختمان در خود معدن است آنرا محاصره کرده و به بازرسی اتاق کارگران پرداختند. از آنجا که این ساختمان وضع خرابی دارد طبیعتاً استجابت تعمیر در تمام اتاقها و وسایلی از قبیل انبردست، پیچ گشتی پیدا کرده اند که اکثر آنها یا شخصی بوده یا از طرف مسئولین رسید داشته اند و پاسداران با ضبط آنها به تمام کارگران این محل تهمت دزدی زده و آنها را بسیار خشمگین کرده

اند و این ناپسند ترین کاری بود که ماعرض شده آنها کار کردن در اینجا شاهد بوده ایم از شما تقاضا داریم با اعزام نمایندگان خود قبل از عکس العمل کارگران وضع زندگی ما را از نزدیک دیده و به این کار پاسداران رسیدگی کنید. تعداد زیادی از قفلها را در غیاب صاحبانش شکستند.

با احترام بدنبال جریان فوق کارگران قسمتهای مهندسی، معدن کارخانه مجتمع بعنوان اعتراض دست از کار کشیده و به طرف کمیته سرچشمه حرکت کرده اند تا به عمل غیر انسانی شب گذشته اعتراض نمایند، در محل باز هم پاسداران آنها را به کمیته بردند و تحت بازجویی قرار دادند.

همچنین در شب ۵۸/۲/۲۳ به یک سری از خانه های کارآموزان حمله کرده و آنها را متهم به دزد بودن و کمونیست بودن نمودند. که در نتیجه امروز آنها هم بعنوان اعتراض همراه با کارگران به کمیته رفتند.

در ضمن کمیته این بخش تحت کمیته رفسنجان انجام وظیفه می کند و سرپرستی کمیته رفسنجان هم بدست آیت الله هاشمی رفسنجانی نوقی است که عموزاده دکتر هاشم رفسنجانی از فقود الهای رفسنجان می باشد.

نامه کارکنان پیمانی شرکت ملی نفت

مقام محترم رئیس هیئت مدیره مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران:

احتراماً، ما کارگران پیمانی شرکت ملی نفت در آبادان مدت سدها می باشد که مسائل و مشکلات خود را که از باقیای فساد و اجحاف رژیم گذشته می باشد با ادرا مربوطه مان در میان گذاشته ایم و از آنان تقاضای رسیدگی نموده ایم ولی نسه تنها به مشکلات ما توجه شده است بلکه اجحافات و ناروائیهای دیگری بران افزوده شده است.

در راس این مشکلات موضوع رسمی شدن ما قرار دارد. متأسفانه الان که مدت سه ماه است که از قول رسمی شدن که به ما داده می می گذرد، ولی هنوز کوچکترین خبری در این مورد داده نشده است. مسئله دوم که وجود دارد موضوع حقوق ماست قبل از انقلاب حقوق ما را که بسیار کم بود پیمانکاران می پرداختند و وقتی ما به شرکت مراجعه میکردیم و از کمی حقوق شکوه مینمودیم به ما می گفتند که ما خیلی بیشتر از صلی می، پیمانکاران به شما می پردازد، ما به شما می پردازیم و از پیمانکاران بخواهید که حقوق شما را اضافه کند.

خوشبختانه، انقلاب ما به ثمر رسید و دست پیمانکاران ز سر ما کوتاه شد و خوشحال که دیگر همان حقوقی را که شرکت به پیمانکاران می داد به خود ما خواهد پرداخت ولسی متأسفانه مشاهده کردیم که باز همان حقوق قبلی را که ما می دهنده. الان معلوم نیست ما به التفاوت صلی می به پیمانکار می دادند و صلی می که پیمانکار به ما می داد، به ما کجا می رود. به اداره مراجعه می کنیم، می گویند: صبر کنید، حقوقتان زیاد میشود. از ما می خواهند صبر کنیم و ما هم صبر می کنیم ولی از عمل خبری نیست نمی دانیم عاقبت این سهل انگاریها و به تاخیر انداختن عمده ترین مسائل ملت و مملکت یعنی مسائل کارگری، که به کجا خواهد رسید. به هدفهایی دنبال میشود که ما بی اطلاعیم. عیم. مسئله دیگری که تازگی پیش آمده است، مسئله نماینده کارگران است. بهرامی نامی خود را به عنوان نماینده کارگران معرفی کرده است و در جلسات کارگری شرکت میکند و از طرف مسئولین هم بلا فاصله مورد قبول قرار می گیرد و جالب اینجاست که این آقای بهرامی خود انتخاب شده و مطالبی را گفته است که نه تنها خواست ما نبوده بلکه در جهت خلاف منافع، صالح ما می باشد. مثلاً "یشمان گفته اند که کارگران پیمانی از کارگران رسمی جدا بوده و مسا کاری با کارگران رسمی نداریم که این گفته در جهت جدا کردن ما کارگران شرکت نفت می باشد که بسیار عمل ناپسندی است و ما نسبت به این نماینده به شدت معترضیم و عمل خود سرانه این شخص را و از آن بدتر نیز برش اورا بعنوان نماینده کارگران از طرف مسئولین بدون توجه به نظر و خواست اکثریت کارگران تبخیر می کنیم و این کارها را در دوران انقلاب غیر منتظره می دانیم چرا که چنین کارهایی در دوران طاغوت صورت می گرفت و جدا "متأسفیم که چنین کارهایی را دوباره مشاهده می کنیم.

در پایان از آن مقام استدعا داریم که هر چه زودتر نسبت به مشکلات ذکر شده رسیدگی و اقدام عاجل مبذول دارید. زیرا انقلاب ما بنابه گفته امام خمینی، امام حامی مستضعفین می باشد و کارگران از همه مستضعفین

برای گرفتن حق بیکاری متحداً مبارزه کنیم

تظاهرات متراسری در کردستان پیشانی از شیخ خردلین حسینی

شورای هماهنگی جمعیت های کردستان در حالیکه آیت الله حسینی به قصد تهران و قم، مهاجرات را به عنوان انجام سفر حسن نیت و نه مذاکره حول مسائل سیاسی و بویژه خود محفاری، ترک کرده اند، برای پشتیبانی از آیت الله حسینی و اعتراض به سانسور حاکم بر رادیو تلویزیون و بویژه سکوت در مورد سفر آقای حسینی و پخش نمودن اخبار مربوط به این سفر اعلام تظاهرات در سراسر کردستان نمود. این تظاهرات بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ در ساعت مختلف در شهرهای کردستان، انجام گرفت. در همه شهرهای کردستان تظاهرات با حمایت کلیه نیروهای سیاسی و انقلابی و عده زیادی از مردم رو برو گردید. البته حزب دمکرات تحت این عنوان که این تظاهرات باعث جدائی دولت و خلق کرد خواهد گردید جزو شرکت کنندگان نبود.

بعلت تضاد این روز با توییح روزنامه آیندگان و تسلط اختناق در مطبوعات و همچنین سانسور شهادت بزرگ شهید کرد اسماعیل شریف زاده، قهرمان سالهای ۴۷ - ۴۶ در این تظاهرات تجلیل از این شهید بعمل آمد و شعارهایی بر لبه مطبوعات و علیه سانسور داده می شد. در مهاجرات تظاهرات هرکنندگان برای تعطیل از این شهید پس از راه پیمائی در شهر بر سر مزار او واقع در قریستان شهر رفتند و یادبود او اشعار و مقالاتی خوانده شد. همچنین در طول راه پیمائی سرودی را که بیان کننده شیوه مبارزه و دلاوری های وی بود خوانده میشد. ترجمه شعارهای تظاهرات عبارتند از:

- * - آیت الله، پشتیبانت، کارگران و دهقانانند.
- * - آیت الله، پشتیبانت، کارگران و دهقانانند.
- * - آیت الله، پشتیبانت، تمام مردم ده و شهرند.
- * - آیت الله، دشمنانت نوکران استعمارند.
- * - آیت الله، طرفداران و همراهان همه فداکار و یار زحمتکشان و دشمن ظالمینند.
- * - ما سانسور را محکوم میکنیم.
- * - سرنیزه و زور را محکوم میکنیم.
- * - سانسور یعنی دروغ گفتن - حق مردم را از بین ببرد.
- * - مردم خیلی کشته داده اند، برای آزادی غسون داده اند، اما سانسور هنوز مانده و همچون سیل خون ریخته میشود.
- * - کارگران استعمار میشوند، دهقانان از خانه بیرون رانده میشوند و تمام ظالمین در را سکارند.
- * - دولت نمی تواند با حقه بازی کارش را به پیش برد. نماینده ماتنها حسینی است.
- * - جناب آقای بازرگان نخست وزیر ایران، ما مفتی زاده راضی خواهیم تا بحال بارها، این را گفته ایم که عوالدین حسینی تنها نماینده کردها است.
- * - زمین مال دهقان است، دیگری دهقان را جاره نمیدهد.
- * - کارگر رهبر است. دهقان سرور است.
- * - تاحق کرد داده شده، انقلاب ناتمام است.
- * - قیاده در کردستان برای توطئه چینی آمده است. همه با هم می گوئیم باید از ایران اخراج شود.

- * - سانسور روزنامه ها، توییح آیندگان نشانده خفان است و برخلاف خواسته مردم است.
- * - قطعنامه ای در پایان تظاهرات در ۴ ماهه قرائت شد که پس از اشاره به مبارزات خلق کرد بدین شرح میباشد: اینک که ما شرکت کنندگان در این راه پیمائی کسه بمناسبت پشتیبانی مجدد از حضرت آیت الله شیخ خردلین حسینی ترتیب یافته، ضمن اعتراض، به سکوت رادیو تلویزیون در مورد مسافرت ایشان پشتیبانی قاطع غسون را از آیت الله حسینی بعنوان تنها نماینده و رهبر واقعی خلق کرد اعلام داشته و قطعنامه زیر را در ۴ ماده اعلام میداریم:
- ۱ - بار دیگر پشتیبانی خود را از نماینده و رهبر منتخب خلق کرد یعنی حضرت آیت الله حسینی اعلام میداریم.
- ۲ - بار دیگر هرگونه اتهام ناروا از سوی عناصر مرتجع در هر گوشه ای از ایران را بشدت محکوم نموده و آنرا توطئه ای برای پیمان نمودن حقوق خلق کسه یعنی خود مختاری می دانیم.
- ۳ - سکوت رادیو تلویزیون را در مورد مسافرت آیت الله حسینی تنها نماینده واقعی خلق کرد بشدت محکوم نموده و خواهان الغای سانسور به هر شکل و بهر نوعی در رادیو تلویزیون هستیم.
- ۴ - ما بار دیگر پشتیبانی خود را از قطعنامه ۸ ماده ای مهاجرات و سند ج اعلام میداریم.

در مسجد سلیمان، اهواز، آغا جری و دیگر شهرهای خوزستان، کارگران زیادی هستند که در شرکت های حفاری مانند "سدیران"، "هالیپتون"، "سن تاف"، "ردین بکس" و... مشغول بکارند. این کارگران که تا کنون جوانی و قوتشان در زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای گزنده زمستان، ضریف کردن جیب های سرما به داران و امپریالیستها شده است، حالا بطرز ناجوانمردانه ای از طرف مشتی سرمایه دار سود جودر معرض اخراج قرار گرفته اند. این سود جویان به کارگران مانند پیچ و مهره ای نگاه می کنند که هر وقت به کارشان نیامد آنرا دور می اندازند. در این شرایط خاص که ما در ایران با انبوه بیکران کارگران بیکار رو برو هستیم، بیرون راندن این کارگران از سر کارشان به چه معنی است؟ آیا دولت بجای حل مسئله کارگران بیکار به مسئله بیکاری دامن نمی زند؟

بدلیل بالا است که کارگران شرکت های حفاری در عین حالیکه بطور مشخص از هر اقدام ضد امپریالیستی دولت در مورد صدور نفت و کنترل میزان آن حمایت می کنند، قاطعانه خواهان جلوگیری از اخراج و بریدری خود نیز هستند و به هیچ وجه حاضر نیستند که از حقوق مسلم خود که باقی مانده بر سر کارشان است، صرفاً بکسر کنند.

کارگران تجربه تلخ کارگران سالی و دوماهی شرکت نفت را که هنوز هم در بذر هستند، فراموش نمی کنند و به همین دلیل هم اکنون حتی وده سالی سه ماهه حق اخراجی و معادل پنج ماه پرداخت فوق العاده هم کارگران را نمی فریبدهد و همه کارگران بخوبی می دانند که نوشتن استعفای خود همانند سالی دوماهی های سابق، زندگی تیره و تاری که با بیکاری و آوارگی و... همراه است، انتظارشان را میکشد.

با اتحاد خود توطئه سرمایه داران را بر علیه کارگران خنثی کنیم
"دقت سیاسی طرفداران طبقه کارگر مسجد سلیمان"

تحصن کارگران شرکت آرمه

۲۴ نفر از کارگران آرمه - تسلا که مدت چهار ماه است بیکار شده اند از ۲/۱۷ در دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان بین بلوار و تخت جمشید تحصن و خواستار تحقق سه خواسته زیر شده اند:

- ۱- بازگشایی کارخانه
- ۲- پرداخت حقوق عقب افتاده با عیدی و حق اولاد و مسکن
- ۳- شرکت حق بیرون کردن کسی را نداشته باشد مگر اینکه بجای او کارگر دیگری را استخدام کند.

در گزارشی که از این تحصن تهیه شده چنین می خوانیم: "امروز (۲/۲۵) تعداد کارگرانی که در آنجا بودند ۳۰-۴۰ نفر بیشتر نبودند. چون عده ای رفته و آن هزار

تومان را گرفته اند و عده ای هم سری به محل تحصن می زنند برای اینکه ببینند اگر پولی پرداخت می شود، آنرا بگیرند و اگر خبری از پول نباشد، می روند."

یکی از کارگران تحصن می گفت که: در این مدت نه تنها به خواسته ما رسیدگی نشده بلکه حتی کار شکنی و از پیمان هم می کنند. شبهای اول تحصن ساعت ۲ بعد از نیمه شب کلور را روشن کرده و عین زندان اوین با ما رفتار می کردند. کمیته ها روزهای اول می آمدند و عده ای از کارگران راضی می کردند که محل تحصن را ترک کنند.

یکی دیگر از کارگران اضافه می کرد که: تا موقعیکه ملک زاده (کارفرما) گرفته و تحویل کمیته داده بودیم به حرفهایمان گوش می دادند ولی از زمانیکه امیر انتظام، ملک زاده را آزاد کرده، دیگر کسی به حرف ما محل نمی گذارد. در ضمن کارگران این شرکت طی نامه ای خواستهای خود را به امام خمینی نیز فرستاده اند که در زیر می آید.

۱۳۵۸/۲/۲۲

(بسمه عالی)

نامه سرگساده به پیشگاه رهبر عالیقدر انقلاب امام خمینی، ملت قهرمان ایران، ما در پیشگاه رهبری انقلاب و ملت قهرمان ایران ضد انقلاب و توطئه گران را معرفی می کنیم، ما از مقامات مسئول میخواهیم در احقاق حقوق ما از چپا و لگران، مارا یاری دهند.

ما کارگران شرکت آرمه - تسلا و شرکتهای وابسته مدت دو ماه است که در جهت احقاق حق خود به هر دری زدیم. در وزارت کار تا کنون دو موافقت نامه بین نمایندگان کارگران و کارفرما و نماینده وزارت کار به امضاء رسیده است.

کارفرما با پنهان کردن خود حاضر نیست جوابگوی خواسته بحق کارگران باشد و موافقتنامه را به اجراء نرورد. ما از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۷ در محل دفتر مرکزی شرکت تحصن شده و مراتب را طی تلگراف به مقامات مسئول اطلاع داده ایم.

کارفرما از مخفیگاه خود باند مافیائی اش را در جهت سرکوب ما کارگرن با همان روشهای بی شرمانه دوران طاغوت رهبری می کند. پاره ای از توطئه های او به شرح زیر است:

- ۱- کارفرما با نشر اکاذیبو چاپ آگهی در نشریات قصد دارد که خواسته برحق کارگران را پامال نموده و دروغ جلوه دهد. من باجمثال به آگهی مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۶ در روزنامه آیندگان اشاره مینمایم.
 - ۲- در حضور ما عامل کارفرما با نمایندگان ما وارد مذاکره شدند که آنها را تطمیع نمایند ولی با جواب رد کوبنده آنها مواجه شدند. چون از این راه نتیجه ای نگرفتند آنها را تهدید کرده اند. هر اتفاقی که برای نمایندگان ما پیش آید کارفرما مسئول است.
 - ۳- با اعمال نفوذ پرونده ما را در وزارت کار از زیر دست آقای مهندس اسکوتی عضو کمیته ویژه یازرسی وزارت کار که بیطرفانه رفتار میکرد خارج نموده است و در اختیار یک فرد غیر مسئول گذاشته اند. این شخص به عنوان مختلف حتی با تهدید عده ای از همکاران ما را وادار نموده است که در مقابل دریافت وجوه بسیمار ناچیز از حق خود صرف نظر نمایند در این مورد تقاضای رسیدگی داریم.
- در پایان اضافه می کنیم که در کوران انقلاب ما از رهبر عالیقدر خود امام خمینی آموخته ایم که چگونه از حقوق قانونی خود دفاع کنیم و مستبدان را معرفی نمائیم.
- ینا بر این تا حصول به خواستهای برحق خود در تحصن خواهیم بود.

(کارگران شرکت آرمه - تسلا - شرکت های وابسته)

خود را در ضربه زدن و آزار و پیگرد نیروهای انقلابی و مارکسیست - لنینیست می بینند

در این روز انحصار طلبان سیاسی مذبحخانه کوشش کرده بودند تا با ترتیب دادن یک سخنرانی در محل دیگر که از حلقوم کسانی چون قطب زاده و چمران معلوم الحال بیرون می آید - آنهم درست در ساعتی که این مراسم برگزار می شد (ساعت ۵) - بخیال خام خود در مقابل این گروه های قدرتمند نمی نمایند.

آنها همچنین با تحریک ده ها و لگردد نا آگاه سعی کردند این مراسم را بهم بریزند ولی سنگ آنها به هدف نخورد

"عقیده عرضه کردنی است نه تمحیل کردنی"

"دست انحصار طلبان از انقلاب ایران کوتاه"

"با سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون مبارزه کنیم"

و... شعارهایی بود که بر پلاکاردهای اطراف دانشگاه نقش بسته بود.

ادامه از صفحه اول مراسم مدین سالگرد ...

باز گرداندن اختناق همه جانبه، سرخم کنند آنها بسا شعارهای نظیر "مرگ بر آمریکا"، "ارتجاع نابود است"، "انقلاب پیروز است" عزم خود را برای مقابله با توطئه های ارتجاع و امپریالیسم اعلام نمودند.

این مراسم مشت محکمی بود بردها را انحصار طلبان تنگ نظران سیاسی که دنیا را تنها از دیدگاه تنگ و تاریک خود مشاهده میکنند و انسانیت برایشان در جالبوسی و تعصب کورکورانه خلاصه میشود.

اگر آنها انسانهای آزاده ای می بودند همین شرمساری آنها را بس بود که تنها پس از سه ماه از قیام پیروز - مندانه توده ها، سیل جمعیت یکمدا خواستار آزادی ۴۲ زندانی فدائی بودند و فریاد میزدند: "چریک فدائوسی آزاد باید گردد" فریاد رعد آسای جمعیت و سخنان بیگ مادر فدائی داغ تنگی بود بر پیشانی کسانی که قسدرت

همکاران مبارز!

در شرایط حاضر وضعیت ناپهناجرادی و تلویزیون درمورد نحوه مدیریت و سازمان و نیز به عنوان بزرگترین وسیله روشنگری بوده ای امیدهای مردم ایران را از سازمانی که برای مالیات میپردازد زنده مبدل بیاس کرده است. عدم آگاهی و سوء نیت و خیانت مدیریت تحمیلی رادیو و تلویزیون با دیگر شرایط استعمار و احتیاج و عدم کارآیی رادرسازمان حاکم کرده و نیز منکسکننده آن از طریق آنتن رادیو و تلویزیون به ملت ستمیده ایران شده است.

از آنجا که شکل رهبری رادیو و تلویزیون جای تردیدی در ماهیت فئودالیستی آن باقی نگذاشته است، ما گروهی از کارکنان رادیو و تلویزیون اعلام میداریم:

- ۱- تجربه نشان داده است که شرکت و همکاری با روستای تحمیلی به قصد تاثیر بر تصمیم گیریها، عملاً کارگزاری تصمیمات غلط مدیریت دستگاه خواهد بود.
- ۲- برچیدن سانسور و مبارزه با اختناق که از زمان اعتصاب با مشکل کارکنان در رژیم گذشته تشدید شده بهیچوجه نتیجه نرسانیده، بلکه علیرغم انقلاب عظیم ملت ایران، اختناق و سانسور به شدیدترین نحوی در رادیو و تلویزیون حاکم شده تا آنجا که عملاً این وسیله ارتباطی را خدنگوار و ضعیف کرده است.
- ۳- ما مادام که مدیریت خودکامه فردی بر سازمان حاکم باشد، از مبارزات دمکراتیک نمیتوان انتظار نتایج ارزنده داشت. بنابراین یکی از جهات مبارزه باید ایجاد شکل دمکراتیک مردمی برای اداره رادیو و تلویزیون باشد.
- ۴- از همه همکاران مبارز دعوت میکنیم ضمن تجدید سازمان و اصلاح و تصفیه تشکیلات مبارزاتی قبلی ما منسند شورای موسس اتحادیه و سندیکای برنام سازمان و شوراها را مراکز شهرستانها تمام هم خود را در جهت استحکام و ایجاد دمیانی و پیوندهای سندیکائی دائم که مبنی محکم و ثابتی در مقابل فشار ارتجاع و اختناق اتخاذ کنند بکار ببرند تا در هر شرایطی بتوانیم در جهت آزادی و روشنگری و ایجاد مدیریت دمکراتیک منطبق بر خواسته های ملت ایران اقدام کنند.
- ۵- فعالیت سندیکائی ضمن انتخاب احتمالی مبارزه منفی بمنظور طرد عوامل و شرایط ارتجاع باید فعالیت های حرفه ای را تشدید و عرضه و نمایش آنها در خارج از رادیو و تلویزیون مد نظر قرار دهد.

مبارزه تا حصول رادیو و تلویزیونی آزاد و مردمی روشنگر!
گروهی ز کارکنان رادیو و تلویزیون

مبارزه بخاطر رادیو تلویزیون آزاد

اعلامیه زیر که توسط گروهی از کارکنان مبارز رادیو تلویزیون نشر یافته بیانگر مینماید که سستی است که بین کارکنان مبارز و متعهد رادیو و تلویزیون با انحصار طلبان و اشغالگرانی که این وسائل مهم ارتباط جمعی که به تمام خلقهای ایران تعلق دارد، و آنها به بلندگوی خود تبدیل کرده اند، جریان دارد.

کمیته مرکزی حزب توده و مطبوعات مترقی

در شرایطی که مطبوعات آزاده مورد انسواغ و اقسام توطئه ها و یورش های فاشیستی توسط چماق بدستان واقع میشوند، در شرایطی که امپریالیسم بدست عواملش نقشه آگاهانه تعطیل مطبوعات منتقد و مترقی را پیاده میکند، در شرایطی که انحصار طلبان و فرصت طلبان با سوء استفاده از ناآگاهی و بیخبری عده های، در پی منافع پست گروهی خود به شکستن قلم ها و بریدن زبانها همت گماشته اند! در شرایطی که فاشیسم، چهره کشیدی و منحوس و ضد خلقی خود را با تمام وضوح نشان میدهد، آری در چنین شرایطی، در چنین شرایطی که میبایست تمام نیروهای انقلابی و مردمی و بویژه مارکسیست-لنینیست ها به افشای توطئه های امپریالیسم و ارتجاع بپردازند، در چنین شرایطی که میبایست برده ریا و فریبکاری را از چهره مزور انحصار طلبان و این-الوقت ها پاره کرد، در چنین شرایطی که میبایست از مطبوعات آزاده و مترقی دفاع و پشتیبانی نمود، در چنین شرایطی که میبایست از آزادی و آزادگویی با تمام وجود خود حمایت و پاسداری کرد، کمیته مرکزی حزب توده که مدعی رهبری حزب طبقه کارگر ایران و اعتقاد به مارکسیسم-لنینیسم است، چهره کثیف، فرصت طلب و نامردمی خود را در یک مورد مشخص دیگر با تمام کراهت نشان میدهد. این فرصت طلبان که در آرزوی جاه و مقام به هر کوشش و تملقی دست میازیند، در چنین بحبوحه ای به روزنامه های مترقی میازیند و همیا با انحصار طلبان و دروغ پردازان آنان را تحریفگر و تحریک کننده و... میخوانند. و بدین ترتیب، در حالیکه با صلاح به افشای چنین روزنامه هائی میپردازند، با چشمان ملتطم و موذی خود انتظار نوازش و مرحمت صفا در قدرت را بخاطر خوشرقمی و سرچ براهی شان نادیده. اما اگر روزی بویستند، در دیگر کشورها و در طول تاریخ با کوشش و زانو زدن در مقابل بورژوازی و خرده بورژوازی بهره ای بردند، کمیته مرکزی حزب توده هم، از اینهمه سازشکاری خیانتکارانه طرفی خواهد بست. اینها و تمام روزیونیست ها سازشها و کوششهایشان در برابر بورژوازی، نه تنها بسط پرولتاریا و زحمتکشان که به خود نیز خیانت میکنند.

سرنوشت "برادران" کمیته مرکزی حزب توده در عراق که توسط فاشیست های بعضی عراقی گروه بسط جوخه اعدام سپرده میشوند، میتوانست تجربه و درس خوبی باشد برای این آقایان، در صورتیکه ماهیستی مردمی داشتند و دچار خطای تاکتیکی و یا معرفتی نشده بودند، ولی این روزیونیست ها بنا به ماهیستان نمیتوانند از این موارد مشخص و زنده تاریخسی در بی بگیرند.

همیالکی های کمیته مرکزی در عراق مگر چه کردند؟ آنها در تلاش برای رسیدن به موضع قدرت و پاسداری از منافع مسکو بزرگترین خیانت ها را به جنبش کمونیستی عراق و عناصر صادق و ناآگاه خود مرتکب شدند. آنها با سازشهای خیانت آمیز خود باعث شدند که دسته دسته کمونیست ها به زیر تیغ جلاان بعضی فرستاده شوند. و در پیروی از این سیاست، خود نیز از ضربات جانکاه بعضی های فاشیست در امان نماندند، ولی هنوز هم براه بی سرانجام خود ادامه میدهند، تا شاید که طرحیم بورژوازی عراق را برانگیزانند...

و برای حزب توده ایران اگر سرنوشتی همسان "برادران" عراقی شان وجود نداشته باشد، بی گمان آینده ای بهتر از آنها نخواهند داشت. حال بگذار تا میتوانند سیاست های نادرست قدرت حاکم را توجیه کنند، شعارهای مذهبی سر دهند، تملق و چاپلوسی قدرتمندان پیشه سازند، همیا با انحصار طلبان، مارکسیست-لنینیست های راستین را سب و لعن کنند... و سیاستهای خیانت آمیز دیگر را ادامه دهند.

یورش به مطبوعات، گامی دیگر در راه تعرض به آزادی است!

در روزنامه آیندگان روز پنجشنبه بیستم اردیبهشت ماه، خبری از قول آیت الله خمینی در مباحثه با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند درج گردیده بود. اصل خبر، که از خبرگزاری پارس و خبرگزاری فرانسه نقل شده است، هرگز از جانب دفتر امام یا مقامات دولتی مورد تکذیب قرار نگرفت. در این خبر احتمال انجام شورها یا غیر (سرلنگر قهری و آیت الله مطهری) توسط ایرانیا چپگرا، رده شده بود. خبر مذکور قبلاً در بخش خبری رادیو ساعت ۷ بعد از ظهر روز چهارشنبه بهمان شکل پخش شده بود. لکن پس از صدور یک اعلامیه از دفتر امام، مبنی بر عدم رهاایشان از درج خبر (بدون آنکه اصل خبر مورد تبیین قرار گیرد)، کارزار تبلیغاتی چند جانبه علیه روزنامه آیندگان (و چند روزنامه دیگر) به راه افتاد.

سازمان "خودمختار" رادیو و تلویزیون، با استفاده از این فرصت "طلائی"، به عنوان سردمداران کسارزار هیستریک وارد معرکه شد. در این روزهای بحرانی که پیش از هر موقع دیگر، خلق نیازمند وحدت و یکپارچگی است، تمام هم و غم خود را صرف مبارزه علیه آزادی مطبوعات، تحریک و تشییع مردم و تصفیه حسابهای خصوصی سرپرستان این سازمان با مطبوعات نمود. بدینا این تحریکات دامنه دار و برنامه ریزی شده توسط بعضی جناحهای حاکم و فاشیست که از جاسب قشریون گوردل یا ساده دل بعمل آمده، انتشار روزنامه آیندگان متوقف گردید.

این واقعه که نه تصادفی است و نه منفرده، بدینا یک سلسله وقایعی که قبلاً به وقوع پیوسته بود و همگی به منظور فشار بر نیروهای انقلابی و دمکراتیک صورت گرفته، گام دیگری بود در راه محدود کردن و عقب راندن خواسته های دمکراتیک توده ها و به پیش تازاندن سرکوب و اختناق. این عملیات که تا بحال به کرات علیه سازمان های انقلابی چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق و... علیه فرزندان مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی و علیه کارگران و گروههای آزادیخواه (زنان، دانشجویان و غیره) صورت پذیرفته است، حاکی از حرکتی نامرئی است که همگی در جهت ابقای رژیم سرکوب و وابستگی به امپریالیسم، صورت می پذیرد.

مردم ایران برای کسب آزادی، علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم قیام کردند، جنگیدند و قربان شدند. باز پس گرفتن آزادیهای که با خون و مبارزه بدست آمده است، توهین به همه مردم ایران و نادیده گرفتن خواست آنهاست. مردم ما دستاوردهای گرانقیمت این جنبش و آزادیهای صفتی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و غیره را به هیچ قیمتی به دیکتاتورشناس های نوظهور نخواهند سپرد و به هیچ رو، پس از سه ماه که از قیام میگذرد، و باره سرکوبی و اختناق را نخواهند پذیرفت.

جلوگیری از ادامه انتشار "آیندگان" نه فقط توهینی به این روزنامه و کارکنان آن بلکه بی احترامی، تحقیر و سلب حقوق صدها هزار خواننده این روزنامه است که دیگران آنها را بالغ ندانسته، خود را قیم آنها می پندارند و بجای ایثار تصمیم میگیرند.

دارو دسته دغلباز حزب توده، که همزمان و هماهنگ با حمله علیه آیندگان، به تهمت زنی به این روزنامه پرداخت می پندارد که با آواز خوانی در این ارکستر تکفیر و تعصب، میتواند در گوشه محراب جناحهای حاکم جایی برای خود بیابد. اینان بار دیگر ثابت کردند که نه تنها کاملاً به روشهای ضد دمکراتیک خود وفادارند بلکه اصولاً به ماهیت جنبش مردم ما نیز یکلی بی اعتنا هستند. جای تعجب نیست اگر این نوکران شوروی، امروز به کاسه لیبسی متعصبین مذهبی پرداخته و می خواهند باین ترتیب در محضر آنان غسل تعمید یابند. مردم ما گول این خیرگان بند و بست و دشمنان آزادی و استقلال خلق را نیز نخواهند خورد.

در این میان فراوان بودند کسانی که راه مفاشات را در پیش گرفته و حمله به روزنامه آیندگان را با سکوت یا با اشک تسماع برگزار کردند. این رفقای نیمه راه آزادی که با این اعمال خود در واقع سازشکاری و محافظه کاریشان را آشکار کردند و در برابر اولین تهدید سرکوبگران متعصب، سرتعظیم خم کردند، غافل از این حقیقت میباشند که این چماق بزودی بر سر همه آنان فرود خواهد آمد و تریبونهای آزادمردمی، این سنگرهای حق طلبی و افشاگری را یکی پس از دیگری درهم خواهد شکست.

کشور ما در موقعیت بسیار حساسی قرار دارد. مطبوعات یکی از ضروریات صرف نظرناکردنی پیشبرد و تقویت و رشد آزادیهای بیچنگ آمده هستند و مانعی اساسی بر سر راه خفه کردن آن در نطفه میباشند. دفاع از آزادی بیان و قلم یکی از وظایف اساسی هر نیروی کمونیست و هر نیروی دمکراتیک است. مطبوعات بدون سانسور، همچون چراغی راهنما برای مردم، و آگاهی دهنده علیه خطراتی هستند که هر روز جنبش ما را تهدید میکند. و خفقان و سانسور مطبوعات، عاملی است که راه را برای رشد مجدد امپریالیسم و شکست سریع انقلاب باز میکند.

ما، این حمله با آزادی مطبوعات را قویاً محکوم میکنیم و از مبارزه تمام روزنامه نگاران مترقی در راه دفاع از مطالبات مردم ایران پشتیبانی میکنیم.